



اعلام جرم

ويليام ماريون برانهام

جفرسونويل، اينديانا

٦٣-٠٧٠٧٨

اعلام جرم

ويليام ماريون برانهام
جفرسونويل، اينديانا
٦٣-٠٧٠٧

The Indictmen

William Marrion Branham
Jeffersonville, Indiana
63-0707



www.bargozidegan.net

۱. متشکرم برادر نویل.^۱ چند لحظه برای دعا سرپا می‌ایستیم و سرهای خود را خم می‌کنیم. کسی هست که درخواستی داشته باشد؟ اگر هست دست خود را بلند کند و بگوید: "من، من..." خواست خود را در ذهنتان نگه دارید. هر چه که از او می‌خواهید و با تمام قلب خود ایمان داشته باشید. تا من نیز برای شما دعا کنم.

۲. پدر آسمانی! ما این را افتخار می‌دانیم که در این دوران تاریک به خانه‌ی خداوند بیاییم، نور خدا را بیاییم و صدای روح‌القدس را بشنویم که از طریق قوم می‌خواند و تکلم می‌کند. از این بابت تو را شکر می‌کنیم. چگونه برای این تو را شکر کنیم؟! حال آنها...

۳. اینک قوم تو در بین این جماعت، دست خود را به نشانه‌ی اینکه از تو درخواستی دارند، برافراشته‌اند؛ و امید دارند که تو امروز صبح به آنها پاسخ دهی. و دعا می‌کنم، ای پدر! که تو درخواست‌های هر یک از ایشان را به آنها عطا کنی. توده‌ای از درخواست‌های دعا بر روی میز است. درخواست‌های بیشماری از همه جا داریم، از مردم بیمار، کسانی که رنج دیده هستند. تماس‌های تلفنی از راه‌های دور، روزانه حدود صدوپنجاه تماس. اوه خداوند! چه باید بکنیم؟ هدایت‌مان کن خداوند! ما، ما نمی‌دانیم که از کدام راه برویم یا چه کاری انجا دهیم، ولی تو می‌توانی تمام اینها را هدایت

نمایی. و دعای ما این است که، این را به ما عطا کنی. زیرا این، این هدف ماست، ای خداوند! حیاتی که ما بر روی زمین داریم، از جانب تو به ما عطا شده است و می‌خواهیم که وسیله‌ای باشد برای جلال نام تو. تو ما را در این امور هدایت نما، ای پدر!

۴. همان‌طور که امروز جمع شده‌ایم تا کلام خدا را بشنویم، سرود بخوانیم و دعا کنیم، ما را مبارک نما. دعا‌های ما را بشنو. با ما در سرودها شادی کن و از طریق کلام با ما صحبت کن، چون در نام عیسی می‌طلبیم. آمین! می‌توانید بنشینید.

۵. هیچ جایی را نمی‌شناسم که تصور کنم افتخار بودن در آنجا، بیش از ایستادن پشت منبر باشد، تا نان حیات را برای گرسنگان و تشنگان که در انتظار هستند، بشکنی. و این یک افتخار بزرگ است.

۶. ابتدا می‌خواهم بپرسم که آیا کسی از اعضای خانواده‌ی رایت^۲ اینجا هست؟ هتی^۳ یا اورویل؟^۴ اورویل با شماست هتی؟ به او بگو که اگر توانست فوراً بابت آنچه به تو گفتم به منزل بیاید. اگر می‌تواند به منزل بیاید. فراموش کردم که آن را امروز صبح با خودم بیاورم. یک چیزی برای سگ کوچولویی که آنها دارند. پس من، من... اگر توانستید بعد از اینکه جلسه را ترک کردید، به آنجا بیایید.

۷. و حال ادیث،^۵ خواهر هتی که بعنوان دختر کوچک خانواده او را می‌شناسیم، از کودکی فلج بود. و اکنون در حالت خیلی بدی است. من حدود یک سال قبل، زمانی که او اوّلین کلمه‌ی خود را بر زبان آورد به آنجا رفته بودم و به فیض خدا بلافاصله متوجه شدم که مشکل او چه بود. حال واقعاً مشکل او چیست...

۸. دست‌های او چسبیده‌اند و او حتی نمی‌تواند آنها را از یکدیگر جدا کند. و این بدلیل فشار زیادی است که روی سیستم عصبی او وارد می‌شود. ولی آنچه هست، او از نظر فیزیکی، مشکلی به جز فلج اطفال که در شش ماهگی به آن مبتلا شد، ندارد. او تمام عمر خود را فریاد زده و گریسته بود، تا چند سال پیش که ما... که ما برای او دعا کردیم و از آن زمان تا حدود یک سال قبل راحت بود.

۹. حال، این واقعاً یائسگی است. به عبارتی دیگر، تبدیل زندگی او، و سیستم عصبی او در شرایط شگرفی قرار دارد. این خانم در ذهن خود متوجه شده بود که روبه مرگ است. و... و قرار نیست که زنده بماند. ساعت به ساعت این فکر با او بود. می‌دانید، هر زن سالم و قوی هم در هنگام تزریق هورمون و رفتن به انستیتوها زمان سختی را پیش رو دارد و بعضاً در اثر آن دچار تشنج می‌شوند.

نسل بشر دو تغییر حیات را دارد.

۱۰. یکی تبدیل از یک پسر به یک مرد، یا از یک زن... از یک دختر به یک زن. همه در حدود شانزده یا هفده سالگی، شبیه انسان‌های بی‌اعتبار می‌شوند و در آن سن شما را آزار می‌دهند. من همین حالا یک دختر در این سن دارم، ربکا.^۶ برای او و بیلی^۷ دعا کنید. اوه، هریک از ما، هریک از ما در این سن آشفستگی و سرآسیمگی گذر نموده‌ایم. ما باید درک کنیم... ما باید درک کنیم که این چیزی است که آنها باید از آن عبور کنند.

۱۱. و حال ادیث با این تغییرات اخیر در، در، در این هفت سال. هر هفت سال، زندگی شما تغییر می‌کند. و بعد هفت هفت بار، می‌دانید، این کمی شرایط را سخت می‌کند. این تغییر کامل است و این، این زن‌ها را اذیت می‌کند. مردان در این سن معمولاً به

کارهای مضحکی دست می‌زنند و گاهی اوقات همسران خود را ترک می‌کنند، ولی زنان بعد از آن نابارور هستند. همه‌ی ما با آن مواجه می‌شویم و باید به خاطر داشته باشیم، این چیزهایی است که ما باید متحمل یکدیگر باشیم و این امور را درک کنیم.

۱۲. وادیت کوچک در این شرایط است، او وزن زیادی را از دست داده است و بد به نظر می‌رسد. من به شما خواهم گفت. یک شب، نه همه‌ی شما با هم، بلکه تعدادی از شما، تعدادی از شما از این خیمه و خیمه‌های مختلف، خواهران این خیمه، بعضی از شما به دیدن خانواده رایت بروید. مطمئن هستم که سپاسگذار خواهند بود. فقط به آنجا بروید، اندکی پیش آنها بنشینید، با آنها حرف بزنید و دست آنها را بفشارید. نه چیزی بیشتر از یک ملاقات دوستانه.

۱۳. می‌دانید ما، ما آن را خیلی راحت فراموش می‌کنیم و هنگامی که این مشکل در خانه‌ی خود ما باشد، آن وقت سپاسگذار این رفتار خواهیم بود. و باید به خاطر داشته باشیم، دیگران هم سپاسگذار این خواهند بود. مطمئن هستم که خانواده‌ی رایت هم قدردان این کار خواهند بود. می‌دانم که اگر از وجود این شرایط خبر داشتید، حتماً این کار را کرده بودید. ولی از این شرایط آگاه نبودید، به همین خاطر است که امروز صبح این را به شما می‌گویم.

۱۴. به دیدار خانواده‌ی رایت بروید و سعی کنید که وادیت را دلداری بدهید. به او نگویند که بد به نظر می‌رسد، بگویید: "خوب به نظر می‌رسی." یا اینکه "رو به بهبود هستی." چراکه اگر ما... او خوب خواهد بود. این چیزی است که ما بخاطرش اینجا هستیم. او خواهر ماست و ما اینجا هستیم که در این مواقع از او نگهداری کنیم. درست مثل زمانی که من از شما می‌خواهم تا برای من... یا شما برای خودتان از کسی درخواستی دارید.

۱۵. و خانواده‌ی رایت یکی از قدیمی‌ترین اعضا هستند که به این جمع می‌آیند. آنها، و به گمانم برادر روی اسلاوتر^۸ و خواهر اسلاوتر. آنها را همین چند لحظه‌ی پیش که داشتند به جلسه وارد می‌شدند، دیدم و برایشان دست تکان دادم. با خود فکر می‌کردم: "چند سال است که من برادر اسلاوتر و خواهر اسلاوتر را دیده‌ام، که در طول این سال‌ها و با تمام این پستی‌ها و بلندی‌ها جای خود را در کلیسا حفظ کرده‌اند و همچنان پابرجا هستند؟" و خانواده‌ی رایت و همه کسانی مانند آنها. شما قدردان این افراد هستید، پس بیاید قدرشناسی خود را به آنها نشان دهیم.

۱۶. پیغام امروز مقداری طولانی و در مورد یک اعلام جرم است.

۱۷. و، و بعد، شنیدم که امشب عشاء و شستن پاها را داریم. شبان در این مورد صحبت خواهد نمود و ما... ما خواهیم آمد. اگر، اگر شما امشب این اطراف هستید، بیاید و از پیغام خدا توسط شبان لذت ببرید و در عشاء و شستن پاها شرکت کنید. امشب شب بسیار شلوغی است و اگر نمی‌خواهید به جای دیگری بروید، خوشحال می‌شویم که شما را در اینجا ببینیم.

۱۸. می‌خواهیم از دان رادل^۹ و برادرمان جکسون^{۱۰} قدردانی کنیم. این برادران از کلیسای خواهر ما هستند، که با ما ارتباط دارند. برادر جک پالمر^{۱۱} که گروهی را در شیکاگو^{۱۲} دارد و ما، ما، ما می‌خواهیم که از صمیم قلب از این برادران قدردانی کنیم. زیرا زمان‌هایی که جلسه داریم، زمانی که می‌آیم، آنها برای دیدار ما می‌آیند و ما از این بابت سپاسگذار هستیم.

Slaughter^۸
Don Ruddell^۹
Jackson^{۱۰}
Jack Palme^{۱۱}
Chicago^{۱۲}

۱۹. امروز صبح دوست عزیزم دکتر لی وایل^{۱۳} و همسرش را می‌بینم. اول خواهر وایل را دیدم و داشتم نگاه می‌کرد که بینم برادر وایل کجاست. و من... آن ضرب‌المثل قدیمی جنوبی چیست... می‌دانید، هربار که او را دیدم، هر روز در جمع به دنبال او می‌گردم و می‌گویم: "اگر لی وایل بیاید از او می‌خواهم که موعظه کند و من برای بیماران دعا می‌کنم." ما برای او پیغام گذاشتیم و هرکاری که می‌توانستیم انجام دادیم اما او را پیدا نکردیم. به همین دلیل این ضرب‌المثل قدیمی جنوبی را مناسب او یافتیم که می‌گوید: "باید با اهرم او را از جا بلند کنی." و از اینکه امروز صبح برادر وایل و همسرش را اینجا می‌بینم خوشحالم.

۲۰. شاید چیزهای بسیار دیگری هم اینجا باشد که ما متوجه آن نشویم. اینجا خواهری را می‌بینم که به گمانم اهل شیکاگو باشد. نمی‌توانم... گروه آنها را می‌شناسم ولی اسامی آنها را دقیقاً نمی‌دانم. پس آنها اهل هرجا که باشند، یا شما اهل هرجا که باشید، سپاسگزار شما هستیم.

۲۱. امروز برادرانی را اینجا می‌بینم. دو دوست جوان، حداقل جوان در خدمت، که باید امروز صبح... باید امروز صبح به خدمت مقرر شوند. دوتن از برادران رنگین پوست ما که اهل نیویورک^{۱۴} هستند و به تازگی استوارنامه‌های خود را از کلیسای فیلادلفیه^{۱۵} دریافت نموده‌اند و به این کلیسا داده‌اند. ما می‌خواهیم که بر آنها دست بگذاریم، تا خدا به خدمت آنها در نیویورک برکت بدهد. به گمانم ما دو یا سه کلیسای کوچک در آنجا داریم. برادر میلانو^{۱۶} یکی از آن گروه‌های کوچک را آنجا دارند و ما، ما از آنها قدردانی می‌کنیم. این هم دو گروه دیگر، که قرار است تشکیل شود و در آنجا به مردم خدمت کند، و ما، ما قدردان این چیزها هستیم.

Dr. Lee Vayle^{۱۳}New York^{۱۴}Philadelphian church^{۱۵}Milano^{۱۶}

۲۲. خدا به شما برکت بدهد. به اطراف که نگاه می‌کنم، تعداد زیادی را می‌بینم. اسامی همه را نمی‌توان ذکر کرد. ولی او، خود می‌داند.

۲۳. حال به گمانم خواهر پانیست ما، یا یکی از آنها خواهد آمد تا برای ما بنوازد.

هنگامی که اخگر آتش نبی را لمس کرد
او را به خالص‌ترین شکل ممکن درآورد
و وقتی که کلام... صدای خدا گفت: "کیست که برای ما برود؟"
پس او گفت: "لییک، مرا بفرست."

۲۴. وقتی که این خادمین را دستگذاری می‌کنیم، متوجه می‌شویم که روش کتاب‌مقدسی گماشتن یک خادم به یک خدمت، دستگذاری است. فکر می‌کنم این، جایی است که برادران ما، بتل فورد^{۱۷} و یا سایرین دچار مشکل می‌شوند. یعنی زمانی که دیده‌اند، عطایا با گذاردن دست‌ها منتقل شده‌اند. ما اعتقاد نداریم که عطایا با دستگذاری دریافت می‌شود. ما ایمان داریم که دست‌گذاری، تأیید و تقدیس آن چیزی است که اکنون آن را دیده‌ایم. می‌بینید؟ این یک «آمین» است. می‌بینید؟

۲۵. حال، هنگامی که آنها بر تیموتائوس و یا آن برادران دست گذاشتند، متوجه این بودند که آن مردان صاحب عطایا بودند. به یاد داشته باشید، «عطایی که در توست از جده ات لوئیس می‌آید.» و آنها این را در تیموتائوس دیده بودند، و از اینرو مشایخ او را دستگذاری نموده و به خدمت گماشتند. می‌دانید، نه اینکه کسی را دستگذاری کرده باشند، که چیزی از او دیده نشده باشد. آنها تنها درخواست برکت نمودند. همه‌ی ما به این ایمان داریم. ما عطایا را منتقل نمی‌کنیم، بلکه تنها آنها را تشخیص می‌دهیم و بر آنها دست می‌گذاریم تا آنها را تقدیس نماییم. چرا که ایمان داریم خداوند چنین کارهایی

را برای قوم انجام داده است.

۲۶. امروز صبح متوجه شدم که در گذشته، برادر مک کنی^{۱۸} اهل... به گمانم مک کینی یا مک کنی باشد. همان خادم متدیست که آنجا نشسته است. متوجه شدم که اخیراً او نیز در اینجا دستگذاری و مقلد شده است، تا در اوهایو^{۱۹} با برادر داچ^{۲۰} و خواهر داچ گروهی را اداره کند.

۲۷. اوه، وقتی همه‌ی ما باهم جمع می‌شویم، در این مکان‌های کوچک دور هم جمع می‌شویم، این بسیار عالی است. نه فرقه‌ای، نه وابستگی به چیزی، بلکه تنها عیسی مسیح، فقط همین «در جای‌های آسمانی با هم می‌نشینیم».

۲۸. بسیار خوب خواهر، اگر ممکن است... بیایید یک بند از این سرود را با هم بخوانیم «هنگامی که اخگر آتش نبی را لمس کرد.» حال همه با هم بخوانیم:

هنگامی که اخگر آتش نبی را لمس کرد
و را به خالص‌ترین شکل ممکن درآورد
وقتی که صدای خدا گفت: "کیست که برای ما برود؟"
پس او گفت: "لیک، مرا بفرست."
بگو، خداوندا! بگو، خداوندا!

حال برادران! اگر می‌خواهید، جلوتر بیایید.

... و من به سرعت...

۲۹. بگذارید دیگر خادمین اگر می‌خواهند پیش بیایند. قرار است بر آنها دست گذارده شود. خداوندم! همکاران این خیمه، برادر رادل،^{۲۱} برادر کمب^{۲۲} و سایرین، درست همینجا، اگر تمایل دارید.

و خواهم گفت: "خداوندا! مرا بفرست." "حال، لطفاً به آرامی:

اوه! اینک میلیون‌ها در گناه و شرارت می‌میرند
به حزن و فریاد اندوهشان گوش کن
بشتابید، برادران به نجات ایشان بشتابید
سریع پاسخ دهید: "آقا! لیک."
بگو، خداوندا! بگو، خداوندا!
بگو و من خواهم گفت: "مرا بفرست. خداوندا!"

۳۰. اسم شما چیست برادر؟ [برادر می‌گوید: "اورلاندو هانت"]^{۲۳} برادر اورلاندو هانت از نیویورک درست است؟ و برادر...؟ [برادر می‌گوید: "ژوزف گلْمَن"]^{۲۴}

حال، لطفاً به سمت جمعیت برگردید، برادران!

۳۱. در قلب برادر هانت و برادر کلْمَن دعوتی از خدا است. وقتی می‌خواندیم که: "اوه! میلیون‌ها نفر در گناه و شرارت می‌میرند." آنها فریاد حزن و اندوهشان را شنیده‌اند و از آنها می‌خواهیم: "بشتابید، برادران برای نجاتشان بشتابید!" می‌دانید، به سرعت جواب دهید: "خداوندا! لیک." امروز صبح آنها به این ترتیب پاسخگوی آن هستند.

۳۲. و ما، برادرانی از این کلیسا، و این گروه، این را تأیید نموده و با دست گذاردن بر

آنها، به آنها دست رفاقت می‌دهیم تا شاهدان عیسی مسیح باشند. دعای همیشگی ما برای این مردان این است که خدا از آنها برای جلال خویش استفاده کند و خدمت ایشان در نیویورک، عظیم و پربرکت باشد. زندگی آنها سرشار از خدمت به خداوند باشد و بافه‌های^{۲۵} پربها را به ملکوت او بیاورند. باشد که زندگی طولانی و شاد داشته باشند. باشد تا خداوند با حضور جاودانی خویش به آنها قوّت بدهد. سلامتی و قوّت به آنها عطا نماید و ایشان را در خدمت خویش حفظ کند، تا زمانی که عیسی مسیح آنها را به خانه‌های ابدی در آسمان فراخواند.

۳۳. بگذار تا این جمعیت... درحالی که سرهایمان را خم کرده‌ایم، ما خادمین پیش می‌رویم تا بر آنها دست بگذاریم.

۳۴. پدر آسمانی ما! به نام خداوند عیسی مسیح بر برادر هانت دست می‌گذاریم و آنچه ما از او می‌دانیم، خداوندا! به درستی بوده است. تو را برای این دعوت برای خدمت در زندگی او شکر می‌کنیم. خداوندا! از طریق این برادر سخن بگو، جان‌ها را فتح کن، نجات را بیاور، ای خداوندا! برای آتانی که در اسارت هستند، هم فیزیکی و هم ذهنی و هم روحانی، ای خداوندا! خداوندا! یک خدمت حقیقی به او عطا کن تا بتواند در پایان راه خویش، هنگامی که به عقب نگاه می‌کند، ببیند که قادر بوده است تا به فیض خدا، هر دشمنی را تسخیر نماید. بواسطه‌ی خداوندان عیسی مسیح می‌طلبیم. آمین!

۳۵. همچنین دست خویش را بر برادر گُلْمَن قرار می‌دهیم، بعنوان شاهدین، ای خداوندا! تا دعوت او را تصدیق نمایم، که ما، این کلیسا و این گروه از قوم، به او بعنوان خادم مسیح ایمان داریم و می‌خواهیم که به او یک خدمت عظیم و پر قدرت عطا کنی تا جان‌ها را برای تو صید کند، ای خداوندا! و اسیران را نجات بخشد و، و قدرت شیطان را در زندگی کسانی که با آنها ارتباط دارد، درهم بکوبد. خداوندا! یک زندگی پر ثمر و

^{۲۵} دسته‌های گندم و... که پس از درو جمع می‌شوند.

پراز میوه‌های روحانی را به او عطا کن، پراز قوّت و سلامتی. همچنین هنگامی که او به پایان راه خویش می‌رسد، عطاکن تا بتواند وقتی به عقب نگاه می‌کند، بتواند به ثمره‌ی عظیمش بنگرد و ببیند که توانسته است، قیود دشمن را برای جلال خدا در هم بکوبد.

۳۶. پدر آسمانی! باشد تا این مردان در برداشت محصول خدا کار و زندگی کنند. باشد تا برکت تو تا به هنگامی که همه‌ی ما بر پاهای ارباب خود جمع می‌شویم، با ایشان باشد و بر آنها قرار بگیرد. به نام عیسی مسیح می‌طلبیم. آمین!

۳۷. خدا به شما برکت بدهد برادر هانت، یک خدمت پرثمر را به شما عطا کند. خدا به شما نیز برکت بدهد و یک خدمت پرثمر را به شما عطا نماید، برادر گُلْمَن. بازهم خدا به شما برکت بدهد.

هنگامی که اخگر آتش نبی را لمس کرد
و را به خالص‌ترین شکل ممکن درآورد
وقتی که صدای خدا گفت: "کیست که برای ما برود؟"
پس او گفت: "لییک، مرا بفرست."
اوه، بگو... باشد تا با قلب‌های جوان بسیاری سخن بگوید
... و من به سرعت خواهم گفت
بگو، خداوندا! بگو، خداوندا!
بگو، خواهم گفت: "مرا بفرست. خداوندا!"

۳۸. چقدر باید امروز صبح برای این افتخار بزرگ، شکر گزار خداوند باشیم! شهادت کلیسا از فرستادن خادمین در مزرعه‌ی خداوند در این ایام آخر. برادرانم! فیض خدا با شما باشد. امیدوارم او شما را به مزارع خارج و در سرتاسر دنیا بفرستد، تا در جایی که بسیار نیازمند است، ثروت غیرقابل کاوش عیسی مسیح را موعظه کنید. بسیار نیازمند،

امروز دنیا بسیار نیازمند است.

۳۹. حال، چیزهای خوب بسیاری است که مجبوریم مقداری از اینجا و مقداری از آنجا انجام دهیم تا بتوانیم همه‌ی آنها را در جلسه‌ی امروز صبح داشته باشیم. حال، امروز ما... در مورد موضوعی صحبت می‌کنم که من... من معمولاً دوست ندارم به این اوقات مهیب نظر کنم.

۴۰. اگر بعضی از شما یکشنبه‌ی گذشته و برای پیغام خروج سوّم اینجا نبودید، اگر به نوارها علامند باشید، به گمانم از این نوار لذّت خواهید برد. خروج سوّم.

۴۱. حال، اینجا چه داریم، یک پسر بیمار یا چیزی شبیه این؟ اوه، یک پسر بچه‌ی فلج. بله، خدا به او برکت بدهد. همین است. بسیار خوب در پایان جلسه برای بیماران دعا می‌کنیم. می‌دانید، حال ما...

۴۲. از شما می‌خواهم، اگر می‌توانید، پیغام خروج سوّم را تهیه کنید. سوّمین باری که نور، فرشته‌ی خدا که قوم را به خروج فراخوانده بود، خود را آشکارا بر زمین نشان داد، در یک خروج بود. می‌بینید؟ خروج سوّم.

۴۳. اشکال ندارد که من کنم را در بیاورم؟ [جماعت می‌گویند: "نه." "اوه! امروز صبح داخل خیمه وحشتناک گرم است و تنها وسیله‌ای که برای تهویه هوا در اختیار داریم، این است که می‌توانید خود را باد بزنید. شما مجبورید که از قدرت خود استفاده کنید. در حال برنامه‌ریزی هستیم تا به محض اینکه بتوانیم کارها را روبراه کنیم، یک سیستم خنک کننده در اینجا قرار دهیم.

۴۴. اگر تمایل داشته باشید که پیغام خروج سوّم را بشنوید، سپاسگزار خواهیم بود. حال، ما خروج‌های زیادی را داشته‌ایم. ولی مشخصاً می‌توانیم روی مکان و زمان سه خروج

دست بگذاریم، که خدا بصورت ستون آتش پایین آمده، قوم را فراخوانده و آنها را جدا نموده است. و اکنون، او در حال جدا نمودن یک قوم است.

۴۵. و ما درمی‌یابیم که وقتی او قوم خود را به خروج فراخواند، پیش روی آنان بصورت آتش حرکت کرده و آنها را به سرزمینی هدایت می‌کرد، که بعد ها در آن بصورت یک انسان در برابر آنها ظاهر شد. او از خدا آمد و به خدا رفت و... و بعد او... او آمد تا یک قوم را به خروج فرا بخواند. خروج از آن شرایط رسمی که به آن رسیده بودند. مانند زمانی که در مصر بودند و به راه‌های گناه و طریق‌های مصریان افتاده بودند و خدا آنها را به خروج فراخواند.

۴۶. و حال ما، مرتبه‌ی دوّم را درمی‌یابیم، زمانی که به اسارت امپراطوری روم رفته بودند و درگیر آیین‌ها و تعالیم شده و از پرستش صادقانه و... گریزان شده بودند و خدا یک خروج دوباره را فرستاد. او بصورت یک انسان ظاهر شد. یک انسان که انسان را هدایت می‌کرد.

۴۷. در خروج اوّل، او ستون آتش بود. سپس به جهان آمد، به سرزمینی که آنها را به آن هدایت کرده بود. چه نمونه‌ی زیبایی در هزاره خواهد بود. جایی که او اینک کلیسا را هدایت می‌کند. «او را به همان صورت که هست خواهیم دید و بدنی خواهیم داشت، مانند بدن جلال یافته‌ی خود او.»

۴۸. و امروز توسط نور انجیل که بازتاب یک نور است، ستون آتش آشکارا در میان ماست. علم آن را دیده است. این در مجلّات سراسر دنیا موجود است، هم از نظر علمی و هم از نظر روحانی. بعنوان همان ستون آتش با همان آیات و نشانه‌ها و همان اموری که من همیشه انجام داده‌ام، شناخته شده است. و اکنون در ایّامی که تعصّبات و چیزهای بسیاری وجود دارند، همچنان خدا مانند همیشه خود را معرفی می‌نماید. ما این را می‌دانیم.

۴۹. و چه امر باشکوهی است دانستن اینکه «یک روز این خیمه‌ی زمینی» این بدن کهنه‌ی ضعیف که در آن رنجور و بیمار هستیم «تبدیل و بصورت بدن جلال یافته‌ی خود او خواهد شد، و او را آن‌گونه که هست خواهیم دید» تا با او در زمینی باشیم که امروز برای بودن در آن متوکل گشته‌ایم. او... باعث می‌شود تا احساس کنیم باید سرپا بایستیم و سرود «مقصد من سرزمین وعده است» را با هم بخوانیم. این را احتمالاً در جلسات تعمیدی می‌خوانند. چون این سرود تعمیدی ماست.

۵۰. حال خطاب به برادران، هم کسانی که اینجا هستند و هم در جاهایی که این نوارها در سراسر دنیا می‌رود. این پیغام‌ها به سمت فرد خاصی هدایت نمی‌شوند و ما نمی‌خواهیم مردم براین باور باشند که ما مستی افراد متعصب هستیم، که دور هم جمع شده‌ایم تا خود را جدا سازیم، یا خود را برعلیه شخص و یا کلیسایی جدا سازیم. ما بخاطر کلیسا هستیم. بلکه در تلاش هستیم تا به کمک و مدد روح‌القدس، دلیل اینکه امروز در این وضعیت تبعیض قرار داریم را روشن سازیم. ما به این اعتقادی نداریم.

۵۱. ما اعتقاد داریم که همه‌ی کلیساها می‌بایست با هم در معاشرت باشند نه اینکه از یکدیگر مجزاً شوند، متدیست‌ها و گروهشان، باپتیست‌ها و گروهشان، یگانه‌انگاران، تثلیثیون و هرچه که داریم از یکدیگر مجزاً شده‌اند. ما اعتقاد داریم که همه‌ی اینها باید با هم باشند، بعنوان یک گروه بزرگ از بدن عیسی مسیح که در انتظار آن آمدن باشکوه هستیم. آنها به هیچ وجه نباید مجزاً شوند.

۵۲. و چه چیز باعث این مجزا شدن است، یک دلیل اساسی وجود دارد که ما باهم نیستیم. با مطالعه‌ی آن، با مطالعه‌ی آن به این نتیجه رسیده‌ام که دلیل آن رنگ پوست ما نیست چون زردپوستان، سیاه پوستان و یا... هر کدام در تشکیلاتی مختلف پراکنده هستند. دلیل آن، غذایی هم که می‌خوریم نیست، چون همه‌ی ما یک جور غذا می‌خوریم، یک جور لباس می‌پوشیم و... ولی می‌بینیم که این اساساً مربوط به خود

انسان است که از مسیر تعالیم کتاب مقدس خارج شده است.

۵۳. باید راهی باشد که به وضوح نشان دهد کدام درست و کدام غلط است. و آن، این نیست که تفسیری بر کلام بگذارید، بلکه خواندن آن به همان طریقی که هست و ایمان به آن در همان طریق است.

۵۴. هر انسانی تفسیر خود را قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا چیزی متفاوت را بگوید، و او را به تشکیلات ابتدایی کلیسای کاتولیک بازمی‌گرداند. کلیسای کاتولیک اعتقاد دارد که خدا در آن کلیسا است. «کلام هیچ ارتباطی با آن ندارد و خدا در آن کلیسا است!»

۵۵. و ما پروتستان‌ها در مکاشفه ۱۷ متوجه می‌شویم که کلیسای کاتولیک، مادر تمام تشکیلات بود! و می‌بینیم که تشکیلات کلیسای پروتستان هم کورکورانه دارای همان طبیعت و ذات کلیسای کاتولیک هستند. کتاب مقدس کلیسای کاتولیک را یک «فاحشه» و کلیسای پروتستان را «فواحش» می‌خواند و می‌گوید که آن فاحشه، مادر فواحش بود. و این قوم مانند که یک زن بدنام است، که بدرستی بر طبق پیمان زناشویی خود زندگی نمی‌کند.

۵۶. همه‌ی ما مدّعی این هستیم که عروس عیسی مسیح هستیم. درحالی‌که این ادّعی نادرستی است. چه چیزی باعث این ناراستی می‌شود؟ زندگی برخلاف نظمی که خدا مقررّ نموده، تا عروس او به آن زیست کند. و این کلام لغزش ناپذیر خداست. من ایمان دارم.

۵۷. و از اینرو، متوجه می‌شویم که کلیسای پروتستان برای اینکه یک تشکیلات داشته باشد، خود را حتّی از کتاب مقدس جدا می‌سازد، تا تشکیلات خود را بنا کند. خادمین مقررّ شده‌اند، ولی آنها به چیزهایی وابسته خواهند بود که آنها...

۵۸. حال، آنها به جلسات من می‌آیند و می‌گویند: "برادر برانهام! این چالش‌ها را شما برای مردم ایجاد کرده‌اید. هیچ کس نمی‌خواهد که آن بیرون بر علیه آن بایستد." آنها می‌دانند که این حقیقت است. چرا؟ من می‌گویم: "چرا شما این کار را نمی‌کنید؟"

۵۹. "خوب، می‌دانی، اگر این کار را بکنم به نان شب محتاج می‌شوم... من یک خدمت دارم. من باید در خدمت خداوند باشم و به قوم او برسم. من هیچ پشتیبانی ندارم."

۶۰. آیا می‌دانید که مسیح پشتیبان ما است؟! کتاب مقدس پشتیبان ما است. می‌بینید؟

۶۱. ولی این، می‌دانید کلیسای پروتستان را دقیقاً به همان چیزی می‌اندازد که کلیسای کاتولیک هست.

۶۲. کلیسای کاتولیک اهمیتی نمی‌دهد... خوب، نمی‌گویم... چنین جسارتی نمی‌کنم که بگویم آنها اهمیتی نمی‌دهند که کتاب مقدس چه می‌گوید. آنها، آنها به کتاب مقدس ایمان دارند. ولی می‌دانید، آنها به یک... یک توالی رسولانی، چیزی است که کلیسای کاتولیک بر آن بنا شده است. این یک توالی پایها است، پطرس را اولین پاپ خطاب می‌کنند و الی آخر. آنها به این ایمان دارند. آنها شدیداً به این ایمان دارند. و به آن معتقدند.

۶۳. و پروتستان‌ها، می‌دانید، آنها دورهم جمع می‌شوند و یک تشکیلات را دارند، درست مطابق آنچه در نیقیه، روم، انجام دادند. جایی که آنها کلیسای کاتولیک را در... در شورای نیقیه سازماندهی کردند و ما درمی‌یابیم که هردو آنها یکسان هستند. آنها هردو یکسان هستند. هردو کلام خدا را ترک می‌کنند تا یک تشکیلات را بسازند. می‌بینید؟ و بعد هنگامی که نوبت به حقایقی می‌رسد که امروز عجیب می‌نماید، برای آنها بسیار غریب است. زیرا آنها تنها توسط آیین‌های مذهبی تعلیم یافته‌اند.

۶۴. ما هیچ آیینی به جز کتاب مقدّس نداریم. ما هیچ چیز جز کلام مقدّس خداوند نداریم. و آن جایی است که ما می‌ایستیم.

۶۵. وحال، امروز می‌خواهم برای چند دقیقه، بخشی را بخوانم از کلام قدوس و مقدّس خداوند. از کتاب لوقا. انجیل لوقا باب ۲۳، تا یک پایه و اساس برای آنچه می‌خواهم بگویم بدست بیاوریم. یک پایه‌ی ذهنی از چیزی که می‌خواهم بر روی آن صحبت کنم. همانطور که شما کتاب لوقا باب ۲۳ را باز می‌کنید، می‌خواهم یک آیه را بخوانم. این تنها چیزی است که امروز صبح برای پایه‌ی پیغام به آن نیاز دارم. حال باب ۲۳ و آیه ۳۳ را می‌خوانیم.

"و چون به موضعی که آن را کاسه‌ی سر می‌گویند رسیدند، او را در آنجا با آن دو خطاکار، یکی برطرف راست و دیگری بر چپ او مصلوب کردند."

۶۶. حال، می‌خواهم چهار کلمه از این آیه را برای پایه ریزی آنچه می‌خواهم در موردش صحبت کنم انتخاب کنم. «آنجا آنها او را مصلوب نمودند.»^{۲۶} چهار کلمه. و اکنون موضوع من هست... من بر علیه کلیساهای فرقه‌ای این دوره و همچنین بسیاری از کلیساهای مستقل بخاطر مصلوب نمودن دوباره‌ی عیسی مسیح، اعلام جرم می‌کنم. آنها را متهم می‌کنم! موضوع امروز صبح این است، «اعلام جرم».

۶۷. می‌خواهم به نوعی تشبیه کنم که این یک دادگاه است. جایی که... و بعد از همه چیز، منبر و کلیسا یک تالار دادگاه است. کتاب مقدّس می‌گوید که: "تخت داوری خواهد بود، و داوری از خانه‌ی خداوند آغاز می‌شود."

و این شبیه جایگاه قضاوت، هیأت منصفه و شهود است. من امروز کلام را بعنوان شاهد خویش دارم.

^{۲۶} این جمله در زبان انگلیسی از چهار کلمه تشکیل می‌شود. There they crucified him

۶۸. اعلام جرم من بر علیه کلیساهای امروز است. حال من، حال من نمی‌خواهم که گناهکاران را وارد این پرونده کنم. من این را تنها خطاب به کلیسا می‌گویم و این باید، این باید روی نوار ضبط شود و تلاش می‌کنم هر چه سریع‌تر آن را به پایان برسانم. من بخاطر مصلوب نمودن دوباره‌ی عیسی مسیح، بر علیه این نسل اعلام جرم می‌کنم.

۶۹. حال برای انجام این کار در عصری که ما زندگی می‌کنیم، من باید یک مدرک نشان بدهم. اگر شما بخواهید که یک اعلام جرم انجام بدهید باید مدارکی را نسبت به جرمی که انجام شده است ارائه بدهید، تا وقوع آن را اثبات کند. من برای اینکه آنها را محکوم کنم، باید مدارکی داشته باشم تا جرم آنها را اثبات کنم. در این اعلام جرم، من خودم... خودم وکیل مدافع خواهم بود و کلام خدا شاهد من است. من این نسل را به مصلوب نمودن عیسی مسیح متهم می‌کنم.

۷۰. من باید نشان دهم، و نشان خواهم داد که امروز همان روحی بر مردم قرار دارد که اوّلین مصلوب نمودن را به بار آورد و اکنون نیز در حال انجام همان امور است. من، من باید آن را انجام دهم. اگر قرار است که مصلوب نمودنی وجود داشته باشد، که آنها این کار را کرده‌اند؛ من باید به قوم نشان دهم که همان نگرش که امروز از نظر روحانی و جسمانی با مردم است، همان کاری را می‌کند که در آن زمان انجام می‌داد. آنها عیسی مسیح، پسر خدا را جسماً مصلوب نمودند. و حال امروز، توسط همان کلام و توسط همان روح القدس. دوست دارم تا به کلیسا نشان بدهم که آنها امروز در حال انجام همان کار هستند. کتاب مقدس نیز این را پیشگویی کرده و اثبات می‌کند. و این دوره‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

۷۱. این نمی‌توانسته که تا چند سال قبل انجام شده باشد. من می‌گویم حتی پنجاه سال قبل نمی‌توانسته انجام شده باشد. اما امروز دقیقاً همان زمان است. این شاید ده سال قبل هم نمی‌توانسته انجام شده باشد. اما این امروز می‌تواند انجام شده باشد، زیرا در حال

اتمام است. ما، ما در زمان آخر هستیم و من بعنوان خادم او ایمان دارم که قرار است از این سرزمین به سرزمینی دیگر عبور کنیم.

۷۲. از اینرو، برای یک قوم، زمان توبه گذشته است. ایمان دارم که این امت نمی‌تواند توبه کند. ایمان دارم که از مرز بین بخشش و توبه گذر کرده است.

۷۳. "برادر برانهام! قبل از اینکه پرونده‌ی خود را آغاز کنید، چگونه می‌خواهید آن را اثبات کنید؟"

۷۴. ما مقصّر همان گناهی هستیم که در عهد قدیم، بخاطر آن، جهان را نابود ساخت. ما گناهکار همان گناهی هستیم که بخاطرش، او سدوم و غموره را نابود ساخت. حال، ما همان شواهد روحانی را در برابر شما قرار داده‌ایم. تمام آن شواهد روحانی در سراسر دنیا هویداست، و اینکه رحمت‌های خدا بر این نسل قرار گرفته است. همچنین این بی‌عدالتی خواهد بود، اگر خدا اجازه بدهد که این نسل با پشت کردن به همان بخشش و رحمتی که در آن دوران بود و اینک با ایشان است، بدون داوری از آن عبور کنند.

۷۵. همانطور که یک بار دوست من جک مور^{۲۷} می‌گفت: "اگر این کشور بدون مجازات خدا به پیش برود، پس خدا ملزم خواهد بود که سدوم و غموره را دوباره برپا ساخته و بخاطر به آتش کشیدن آن از آنان عذرخواهی کند."

۷۶. ما می‌دانیم که آنها از نظر روحانی در حال انجام همان امور هستند. زیرا ایشان نیز همین کار را می‌کنند. برای همان هدف و براساس روشی که جسماً در مصلوب نمودن خداوند انجام دادند. آنها این کار را از روی حسادت و تنها به دلیل کوری روحانی انجام می‌دهند. چراکه نمی‌خواهند ببینند و گوش نخواهند داد.

۷۷. عیسی، در سفر عمر خویش بر روی زمین به قوم گفت: "اشعیا به نیکویی در مورد شما گفت، همانا چشم دارید و نمی بینید، گوش دارید و نمی شنوید." ^{۲۸} می بینید؟

۷۸. همان دلیل، همان، همان هدف و نیت، همان استدلال و برهان، آنها می خواهند دوباره عیسی مسیح را مصلوب نمایند. بخاطر همان دلایلی که در آن زمان آن را انجام دادند. اندکی دیگر به آن می پردازیم.

۷۹. آنها نمی توانند چیزی بر ضد آن بیابند. آنها شهادت به چالش کشیدن و رقابت با آن را ندارند و می دانند که مدارک و شواهد در آنجا موجود است و می دانند که کتاب مقدس چنین می گوید و تنها کاری که می توانند انجام دهند، تکفیر و بی حرمتی نمودن به آن است. دقیقاً همین طور است. همان دلایل و همان نیت.

۸۰. و اکنون بر این اساس، من این نسل را متهم به مصلوب نمودن عیسی مسیح می کنم. برای مصلوب نمودن رئیس حیات، که می خواست با دستان فرقه ای و مجرمیت، با پلیدی، شرارت و خودخواهی، خود را به قوم آشکار نماید. شما می گوید: "همان فرد؟"

۸۱. بله، "در ابتدا کلمه بود، و کلمه خدا بود، و کلمه جسم گردید و خود را آشکار نمود." ^{۲۹} کلمه در جسم آشکار شده بود و آنها جسم را محکوم نموده و به مرگ سپردند، زیرا کلمه آشکار گردیده بود. عبرانیان ۱۳: ۸ می گوید: "عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است." این همان کلام است. می بینید؟ و به همین دلیل، آنها در تلاش برای مصلوب نمودن آن کلام هستند.

۸۲. حال متنی که خواندم. برمی گردیم به موضوعی که می خواهم برگزینم. «آنجا»، آن

چهار کلمه. «آنجا» را توضیح دهیم. «آنجا» مقدس‌ترین شهر دنیا، اورشلیم. «آنجا» مذهبی‌ترین شهر در دنیا، در یک عید مذهبی، عید فصح. «آنجا» مذهبی‌ترین منطقه، مذهبی‌ترین شهر، بزرگ‌تر از تمام تشکیلات، رأس تمام آنها. آنها یعنی مذهبی‌ترین قوم در تمام جهان، از سراسر دنیا، «آنجا» جمع شده بودند. «آنها» او را «مصلوب نمودند» ننگین‌ترین مرگ ممکن، کشتن، یک فرد کشته می‌شد. لباسها را از وی برگرفته و وی را برهنه می‌نمودند. آنها... کهنه‌ای دور فرد مصلوب پیچیده می‌شود، ولی آنها او را برهنه کردند و لباسش را از او برگرفتند. ننگین‌ترین نوع ممکن!

۸۳. «آنجا»، بزرگ‌ترین شهر مذهبی و «آنها»، مذهبی‌ترین قوم، «او را»، پربهاترین شخص را «مصلوب نمودند». ننگین‌ترین نوع مرگ. این برای محکوم نمودن این نسل کافی است!

۸۴ «آنجا» مذهبی‌ترین تشکیلات، بزرگ‌ترین در بین تمام کلیساها، در یک مکان گرد هم آمدند. «آنها» مذهبی‌ترین قوم در بین تمام نژادها، قومی که قرار است پرستندگان خدا باشند، در بزرگترین عیدی که داشتند گردهم آمده بودند... در فصح، به یاد زمانی که از اسارت به آزادی آورده شده بودند. در آن هنگام «آنها» در «آنجا»، در آن زمان، مذهبی‌ترین قوم در مذهبی‌ترین عید، در مذهبی‌ترین مکان، ننگ‌آورترین کار ممکن را با رئیس حیات انجام دادند؛ یعنی برهنه نمودن و مصلوب نمودن او. «ملعون باد...» این را شریعتی که آنها از طریق آن پرستش می‌نمودند می‌گوید: "ملعون است هر که بر دار آویخته شود." "و او بخاطر ما ملعون شد. او را مضروب ساختند و تمسخر کردند. برهنه‌اش ساختند. همان خدای آسمان را، لباسش را از تن بدر کردند و او را بر صلیب میخکوب نمودند. او را! «آنجا آنها او را مصلوب نمودند.» تحت مجازات اعدام رومی.

۸۵. امروزه ننگین‌ترین نوع مرگ گلوله خوردن نیست. یا کشته شدن در اثر تصادف، افتادن در آب و یا سوختن در آتش، نمی‌تواند یک مرگ ننگین باشد. بلکه امروزه ننگین‌ترین مرگ، اعدام در ملاء عام است. جایی که تمام دنیا تو را متهم می‌سازد و گناهکار می‌خواند.

۸۶. هنگامی که بی‌گناه بود، تمام دنیا دست خود را بر او گذاردند و او را گناهکار خطاب نمودند. و او تحت مجازات دشمنانش، نه دوستان و نه شریعت خویش، تحت مصلوب شدن دشمنانش مرد. رئیس حیات، پربهاترین فردی که تابحال زیسته بود و یا خواهد زیست، عیسی مسیح، «او را!» گرانبهاترین فرد را! همان‌گونه که یک جایگاه ترتیب می‌دهیم، این را در ذهن خود نگاه دارید.

۸۷. می‌توانید تصوّر کنید در جایی مانند اورشلیم، جایی که برای دوهزار و پانصد سال یا بیشتر... یا صدها سال، این بسیار طولانی است. شاید چیزی حدود هشتصد و یا نصد سال بوده است. درست یادم نیست که فاصله‌ی زمانی از وقتی که سلیمان معبد را بنا کرد، چقدر بود. فکر می‌کنم حدود هشتصد سال و یا شبیه این.

۸۸. و آنها در انتظار آمدن ماشیح بودند، آنها برای عید فصیح آنجا جمع شده بودند. حال فکرش را بکنید، در یک مکان برای پرستش خدا جمع شده بودند. مقدّس‌ترین مکان، اورشلیم، معبد خداوند، و قوم خداوند، خودِ خداوند را گرفته و در ملاء عام مجازات نمودند. عجب چیزی!

۸۹. حال آن چهار کلمه، «آنجا آنها او را مصلوب نمودند.» حال، شما هنوز کتاب مقدّس را نشان می‌دهید. می‌دانید، این تنها چهار کلمه است ولی کتاب مقدّس حقیقت آن را خلاصه می‌سازد.

۹۰. اکنون من، من باید توضیح بدهم که در مورد چه چیزی صحبت می‌کنم. لیکن

کتاب مقدس نیازی به توضیح دادن هیچ چیزی ندارد. این تنها تمام حقیقت است. پس، پس کتاب مقدس نیازی به توضیح دادن هیچ چیزی ندارد. مجبور نیست توضیح بدهد. زیرا این تمام حقیقت است.

۹۱. این چهار کلمه از حلقه‌ی حقیقت است. من سعی خواهم کرد که این را توضیح دهم. تلاش برای توضیح کامل آن مشخصاً به یک کتابخانه نیاز خواهد داشت. هیچ راهی برای من وجود ندارد که این چهار کلمه را بطور کامل توضیح بدهم. ولی بگذارید به کمک او که باعث مکتوب شدن این گشت، سعی کنیم تا این چهار کلمه را توضیح دهیم، تا به جایی برسیم که قوم قادر به تشخیص آن باشد.

۹۲. آنچه اینجا در برابر ما قرار دارد، اولین مصلوب نمودن است. در مقدس‌ترین مکان، مذهبی‌ترین قوم، ننگین‌ترین مرگ را برای بارزش‌ترین فرد رقم زدند. این چه تناقضی است. خدای من! او، خدای من! این رسوایی است.

۹۳. حال بیایید ابتدا به اولین کلمه پردازیم، «آنجا». قبل از اینکه به اعلام جرم پردازیم، چند دقیقه در مورد این کلمه صحبت کنیم. ما این را خواهیم شکافت و به شما نشان می‌دهیم که آنها در حال انجام چه کاری بودند. آن وقت متوجه خواهیم شد که این اعلام جرم نمودن من درست است یا خیر. «آنجا» در اورشلیم، در مقدس‌ترین مکان، زیرا معبد خداوند آنجا بود و یهودیان از سراسر دنیا در این مکان جمع می‌شدند، یک گردهمایی برای پرستش. بزرگ‌ترین مکان پرستشی که وجود داشت، در اورشلیم بود. معبد آنجا بود و مکتوب بود که: "تمام انسان‌ها باید در اورشلیم پرستش نمایند." زیرا این مرکز پرستش است.

۹۴. و امروزه می‌شنوید که یکی از آنها می‌خواهد بگوید: "او! ما به این همایش‌های بزرگ می‌آییم." یعنی جایی که فرقه‌ها آن را دارند. و بعد، و بعد افتتاح... برقراری

پاپ‌ها و غیره را در شهر واتیکان داریم. همه آنها می‌گویند: "ما باید به اردوگاه متدیست یا به همایش تعمید کتاب مقدس برویم." یا، یا همه‌ی ما باید به رم برویم و آنجا مرکز بزرگ... آنها می‌گویند که مرکز بزرگ «مسیحیت» است.

۹۵. در طی آخرین جنگ، زمانی که رم سقوط کرد، این سربازان آلمانی... خیلی از شما در این مورد می‌دانید. آن سربازان آلمانی که از شهر رم پشتیبانی می‌کردند، همانطور که سربازان آمریکایی پیشروی می‌کردند، بر آنها آتش گشوده بودند. برادر فانک،^{۳۱} برادر روبرسون^{۳۲} و خیلی‌های دیگر مثل برادر بیلر^{۳۳} و خیلی از برادران دیگر که در آن جنگ بودند، این را می‌دانند. می‌دانید؟ سربازان ما دستور داشتند تا بر شهر آتش نگشایند. آمریکاییان! شما آنجا ایستاده بودید و هدف آتش آنها بودید. ولی در... در محدوده‌ی وست مینیستر در انگلستان^{۳۴} می‌توانستید آتش بگشایید و اشکالی هم نداشت. زیرا آنجا جایی است که پروتستان‌ها جمع می‌شدند. پس حمله به آنجا اشکالی نداشت. زیرا، ریس جمهور روزولت...^{۳۵} من سخنرانی او را، هنگامی که او در آن شب صحبت می‌کرد، شنیدم. او گفت: "هنگامی که رم سقوط کرد..." او گفت: "این شرم آور است، چون رم رأس تمام مسیحیت است." می‌توانید تصور این را بکنید که یک پروتستان این را بگوید؟

۹۶. پس «بزرگ‌ترین مرکز مسیحیت»، ما می‌خواهیم، ما می‌خواهیم آن را در جایگاهی مانند اورشلیم قرار دهیم. اگر شما می‌خواهید، اگر تمایل دارید، آن را بجای اورشلیم قرار می‌دهیم. رأس تمام، تمام، تمام... تمام سنهدرین‌ها.^{۳۶} تمام فریسیان و صدوقیان و... همه‌ی آنها به اورشلیم می‌رفتند. آن، واقعاً یک ستاد مرکزی بود.

Funk^{۳۱}Roberson^{۳۲}Beeler^{۳۳}Westminster Abbey in England^{۳۴}Roosevelt^{۳۵}Sanhedrin^{۳۶} از انجمن‌های عالی دینی یهود

۹۷. در یک زندگی تشکیلاتی، شما باید بپذیرید که کلیسای کاتولیک رومی مادر تمام آن است. و این از پنطیکاست آغاز شده است. آنجا، جایی است که آنها به آن رسیدند و آن را سازماندهی نمودند. حال ما، یعنی پروتستان‌ها، تنها خواهران کوچک‌تر آن کلیسا هستیم. و حال، بگوییم که امروز، «آنجا» در واتیکان خواهد بود.

۹۸. یا «آنجا» در اورشلیم، همانطور که در آن روز بود. "زمانی که همه باید برای کار... برای عبادت به اورشلیم می‌آمدند." چرا در دوران عیسی آنها این کار را می‌کردند؟ چرا آنها می‌گفتند که همه باید در اورشلیم عبادت کنند؟ زیرا، تنها یک مکان است که خدا در آن با انسان ارتباط خواهد داشت، و آن تحت پوشش خون قربانی است. این دلیلی است که آنها باید به اورشلیم می‌آمدند.

۹۹. خدا هرگز انسان را ملاقات نخواهد نمود، مگر تحت پوشش خون. وقتی شما خون را رد کنید، در حقیقت مکان ملاقات شما با خدا از بین رفته است. خدا برای اولین بار این تصمیم را در باغ عدن گرفت که انسان تنها باید تحت پوشش خون قربانی، عبادت کند. این تنها مکانی است، که در آن زمان خدا انسان را در آن ملاقات می‌نمود و تنها مکانی است، که تابحال خدا در آن انسان را ملاقات نموده است.

۱۰۰. و این تنها مکانی است، که خدا امروز در آن با انسان ملاقات می‌کند. یعنی تحت پوشش خون قربانی. می‌بینید؟ اهمیتی نمی‌دهم که شما متدیست، باپتیست، پریزبتری و یا کاتولیک رومی باشید. اگر بتوانید تفاوت‌های خود را فراموش کنید و تحت پوشش خون قرار بگیرید، در آنجا خدا با همه‌ی ما ملاقات خواهد نمود. آنجا، جایی است که همه‌ی ما می‌توانیم ملاقات کنیم و ارتباط داشته باشیم، در همان زمین. ولی در غیر این صورت، او شما را بدلیل اینکه متدیست و یا باپتیست و یا پنطیکاستی هستید ملاقات نخواهد نمود. او تنها در یک شرایط است که شما را ملاقات می‌کند، و آن هم تحت پوشش خون است. یعنی هنگامی که گناهان شما در حضور او اعتراف شده و از شما جدا گشته باشد؛ در آن هنگام و

از طریق خون. و خون همیشه در برابر اوست و از اینرو او تنها از طریق این پوشش است، که می‌تواند شما را ببیند. می‌دانید، هنگامی که شما به گناهان خود اعتراف کرده و زیر پوشش خون قرار گرفته باشید، به سفیدی برف هستید، در غیر این صورت، آنجا نیستید و نمی‌توانید با او ارتباطی داشته باشید.

۱۰۱. به این دلیل است که شما قادر به دیدن چیزهایی که در کلیسا رخ می‌دهند نیستید. آنها اقرار می‌کنند که به آن خون ایمان دارند، ولی همان نقشه‌ی بدست آوردن آن، یعنی کلام را رد می‌کنند. می‌بینید؟ تنها یک راه وجود دارد که خدا به کلام احترام بگذارد. شما هرگز به آن کلام احترام نمی‌گذارید که می‌گویید: "من یک کاتولیک رومی هستم. من می‌خواهم که این انجام شود." نمی‌توانید این کار را بکنید. متدیست، باپتیست و یا پنطیکاستی، نمی‌توانید این کار را بکنید.

۱۰۲. تنها راهی که می‌توانید این کار را انجام دهید تحت رحمت و بخشش خداوند و بواسطه‌ی فیض اوست، که زیر پوشش خون عیسی مسیح قرار بگیرید و بگویید: "خداوندا! من این وعده را مطالبه می‌کنم." و اگر شما واقعاً زیر پوشش خون باشید، خدا به آن کلام ملزم است. اما نخست باید شما زیر پوشش خون قرار بگیرید. متوجه می‌شوید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۱۰۳. هیچ تعجیبی ندارد که آنها نمی‌توانند به معجزات ایمان داشته باشند. هیچ تعجیبی نیست که شما نمی‌توانید به ماوراءالطبیعه ایمان داشته باشید. تعجیبی نیست که آنها این را محکوم کردند. آنها تا حد ممکن گناهکار هستند.

۱۰۴. و آنهایی که این جرأت را می‌یابند تا در فروتنی، او را در کلام خویش بیابند، بیرون آمده، به گناهان خویش اعتراف کنند و تمام آن دُگم‌ها و سایر چیزها را فراموش کنند، از جانب مردم «متعصّب» خوانده می‌شوند. آنها می‌خواهند ایشان را... البته این

کلمه‌ی خوبی نیست که پشت منبر گفته شود، می‌گویند که او «عجیب و غریب» است.

۱۰۵. پس بدین ترتیب، آیا همه‌ی ما عجیب و غریب نیستیم؟ یک ایماندار برای یک بی‌ایمان عجیب و غریب است و یک بی‌ایمان هم برای یک ایماندار عجیب و غریب است. پس چه کسی عجیب و غریب است؟ می‌بینید؟ کشاورز برای تاجر عجیب و غریب است و تاجر برای کشاورز همین حالت را دارد. می‌بینید؟

۱۰۶. به شما می‌گویم، نجات یک رابطه‌ی فردی است بین انسان و خدا؛ تنها یک فرد. «با ترس و لرز در جستجوی نجات خویش باشیم.» بعنوان یک معلم و یا یک خادم از جانب مسیح، اساس دیگری را نمی‌شناسم که بخواهم آن را بر کلام قرار بدهم. نمی‌توانم این را بر هیچ چیز دیگری قرار دهم.

۱۰۷. اکنون ما درمی‌یابیم که تنها زیر پوشش خون است که خدا پرستندگان را ملاقات می‌نمود، و آنها در اورشلیم ملاقات می‌شدند.

۱۰۸. و مسیح، برّهی مهّیا شده از جانب خدا برای قربانی است. امروز تنها یک مکان وجود دارد که خدا انسان را در آن ملاقات می‌کند و آن، زیر خون عیسی مسیح است. هر جای دیگری محکوم بوده و خدا هرگز آن را نخواهد شنید. شما ممکن است که همه نوع گرایش و همه نوع ایسم^{۳۷} را داشته باشید. خون و دود و آتش داشته باشید. ولی مادامی که آن حیات با کلام مقایسه نشده و مطابق آن نباشد و خدا از آن طریق آن را کاملاً نشناسد، نیازی به امتحان آن نیست. زیرا شما بیرون هستید و خدا هرگز آن را ملاقات نمی‌کند، تا زمانی که شما تحت پوشش خون قرار بگیرید. درست است.

۱۰۹. می‌دانید، ما در کتاب مقدّس یک اورشلیم داریم، یعنی کلیسا دارد و آن در آسمان است. یک اورشلیم آسمانی، جایی که خداوند خداست. و امروز، آن تحت چند آیین و

^{۳۷} اشاره به انواع باورها و مکتب‌ها مانند کمونیسم، فاشیسم و...

چیزهای دیگری که ما بخواهیم آن را یک اورشلیم بسازیم نیست. ما می‌خواهیم... متدیست‌ها تمایل دارند که... تمایل دارند تا از مراکز متدیست یک اورشلیم بسازند. کاتولیک‌ها می‌خواهند که این کار را با رم انجام دهند. و مکان‌های مختلفی را که ما داریم... می‌خواهیم، می‌خواهیم که از آن اورشلیم بسازیم. اما کتاب مقدس به ما می‌گوید که: "اورشلیم ما از بالا است که مادر تمام ایمانداران است."^{۳۸}

۱۱۰. حال، مسیح برّهی مهیا شده از جانب خداست. حال توجه کنید که این چقدر مناسب بود. نشان می‌داد که آن اورشلیم در حال متوقف شدن بود. چه وقت؟ این تا آن زمان، نافذ و معتبر بود. خون برّه تا آن زمان مناسب بود، ولی اکنون در مصلوب نمودن تغییر یافته است. سیستم قدیمی به اتمام رسیده است. یک کار جدید وجود داشت و... و برّه بر قربانگاه بود. برّه، برّهی قربانی در... آنها در حال محکوم نمودن و انجام همان کاری بودند که می‌بایست انجام می‌دادند. درست است.

۱۱۱. جلال بر خدا برای دیدن این نور عالی آسمانی در این ایام آخر. زیرا کلیساها امروز در حال انجام همین کار هستند. تازمانی که زمان محکومیت تشکیلات مذهبی برسد و ثابت شود که در حال قربانی نمودن کلام مسیح هستند، از آن زمان به بعد کلام و تنها کلام می‌آید. در روز مصلوب نمودن، از آن برّهی قدیمی گذشته و مسیح برّهی ما شد. و روزی که فرقه، کلام را مصلوب نمود و آیینها را بجای آن پذیرفت، روزی است که کلام به تأثیر کامل رسید. و این، همین اخیراً بوده است.

۱۱۲. توجه کنید، اوّل «آنجا»، اورشلیم. دوّم «آنها»، آنها یعنی چه کسی؟ یهودیان، پرستندگان. فکرش را بکنید! خود پرستندگان، همان کسی را کشتند که مدّعی پرستش او بودند. می‌توانید تصوّر چنین چیزی را بکنید؟ بعنوان افراد خردمندی کاهن، کسانی که تعلیم یافته بودند، مدرک دکترا داشتند... آنها باید از نسلی خاص می‌بودند، از یک سبط

خاص، قبل از اینکه حتی بتوانند کاهن باشند، می‌بایست که لاوی می‌بودند. پدران آنها کاهن بودند. اجداد آنها کاهن بودند. جدّ جدّ آنها کاهن بود و آنها می‌بایست که در چنین زندگی وقف شده‌ای زندگی می‌کردند. هنگامی که یک نکته بر علیه آنها بود می‌بایست که سنگسار می‌شدند. هیچ بخششی عطا نشده بود. مقدّس؟ مطمئناً، ولی تقدّسی خودساخته. باید چنین رفتار می‌کردند تا چهره خود را به کلیسایشان نشان دهند. عیسی گفت: "درون شما پر از استخوان‌های انسان‌های مرده است."

۱۱۳. چنانکه من می‌توانم در آنجا اعلام جرم کنم. و کسی که حقیقت بودن آن را می‌داند، یعنی حقیقت بودن این کلام را، با آن مصالحه خواهد کرد، تا یک روز در برابر تشکیلات نشان دهد. من حق دارم تا براساس کلام خدا، آنها را محکوم نمایم. درست است.

۱۱۴. توجّه کنید، «آنها»، پرستندگان، مردانی که در انتظار وعده بودند، مردانی که در انتظار آن بودند و در خلال سال‌ها و اعصار، به جز آن مدرسه‌ی دینی هیچ کاری نداشتند. ولی آنها بر طبق تعالیم آن مدرسه‌ی دینی، کلام خدا را منقسم نموده بودند و همان حقیقت کلام را گم کرده بودند. «آنها» کاهنان و خادمان آن روز، «آنجا» در مراکزشان، «آنها» خادمان آن روز، داشتند همان خدا را می‌کشتند، همان برّه را. داشتند همان خدایی را می‌کشتند که مدّعی پرستش او بودند.

۱۱۵. و امروز من بر علیه آن دسته از خادمینی که در تعالیم و فرقه‌هایشان، در حال مصلوب نمودن همان خدایی برای مردم هستند که مدّعی دوست داشتن و خدمت به او هستند، اعلام جرم می‌کنم. من این خادمان را به نام عیسی مسیح، براساس تعالیمشان که ادّعا می‌کنند «دوران معجزات گذشته است» و اینکه «تعمید به نام عیسی مسیح معتبر و درست نیست» محکوم می‌کنم. براساس هر یک از این تعالیم که جایگزین کلام خدا نموده‌اند، و خون عیسی مسیح بدلیل مصلوب شدن دوباره در دستان ایشان است، آنها را

محکوم می‌کنم و گناهکارند. آنها در برابر عموم در حال مصلوب نمودن مسیح هستند و دارند چیزی را از آنها می‌گیرند، که قرار بوده است به آنها بدهند. و برای محبوبیت، یک تعلیم کلیسایی را جایگزین آن نموده‌اند.

۱۱۶. آنها آنجا... «آنها» کسانی هستند که می‌بایست شناخت بهتری می‌داشتند. اگر کسی می‌بایست دارای شناخت بهتری می‌بود، خادمین آنها بودند. اگر کسی باید شناخت بهتری داشته باشد، روحانیون امروز هستند. اگر کسی باید بداند، این اسقفان و خادمین و دکترهای الهیات هستند که باید تفاوت را بدانند. ولی چرا نمی‌توانند؟ آه، عجب تناقضی! ما اینجا در برابر خود به جز یک تناقض، چه داریم؟! آنها مدعی پرستش خدا و در عین حال در حال مصلوب نمودن رئیس حیات هستند. آنها، «آنها آنجا او را مصلوب نمودند.» و اینجا «آنها» دوباره همان کار را می‌کنند، زیرا او کلام است.

۱۱۷. این چیزی است که او هست، یک انعکاس از کلمه. و این چیزی است که او امروز است، یک انعکاس از کلمه که در تلاش برای یافتن کسی است که از طریق او منعکس شود.

۱۱۸. و این قوم، جماعت را دور از خدا نگاه می‌دارند و اگر اتفاقی رخ دهد و در بین مردم از آن صحبت شود، آنها آن را از منبر محکوم می‌کنند و می‌گویند: "این تعصب است، از آن فاصله بگیرید." با این کار، آنها در ۱۹۶۳ مسیح را مصلوب می‌کنند و به اندازه‌ی آنان در... در آن زمان گناهکار هستند. این یک اظهار مهیب است، ولی حقیقت است. این دقیقاً کاری است که امروز آنها انجام می‌دهند.

۱۱۹. و این صحن‌ها، صحن‌هایی که مسیح را مصلوب می‌سازند. صحن‌هایی که کلام را می‌گیرند. کلام را از قوم خدا می‌گیرند؛ دقیقاً همان کاری است که آنها در آن زمان انجام می‌دادند. همان کلامی که خدا از طریق پسر خود منعکس می‌کرد تا اثبات کند

او، که بود. و او که آنها مدعی دوست داشتن آن بودند، یهوه که خود را از طریق کلام آشکار کرده بود. دقیقاً آنچه را که گفته بود انجام خواهد داد، انجام داده بود. دقیقاً آنچه که خدا وعده‌ی انجام آن را داده بود و آن را در برابر آنها منعکس کرده بود، بدلیل عشق به گروه کلیسای خویش، و چیزهایی شبیه به آن. آنها رئیس حیات را محکوم نمودند.

۱۲۰. و امروز من همان گروه را محکوم می‌کنم و آنها را در برابر خدا و توسط کلام خدا گناهکار می‌شمارم، چراکه آنها در حال انجام همان کار هستند. این نسل، مجرم است. عبرانیان ۱۳: ۸ را به خاطر بیاورید: "او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است."

۱۲۱. آنها چگونه او را متهم نمودند؟ زیرا که تعالیم و آیین‌های آنها او را نمی‌پذیرفت. آنها در قلب خویش تفاوت را می‌دانستند. آیا در باب سوّم یوحنا، نیکودیموس این را به خوبی شرح نداد؟ "ای استاد! ما فریسیان..." واعظین، معلمین، "می‌دانیم که تو معلمی از جانب خدا هستی، زیرا هیچ انسانی قادر به انجام اعمالی که تو انجام می‌دهی نیست. مگر اینکه خدا او را فرستاده باشد." می‌بینید؟ آنها این را علناً توسط یکی از مردان شناخته شده‌ی خود شهادت دادند و... بخاطر تعالیم و آیین‌هایشان، آنها مسیح را مصلوب نمودند.

۱۲۲. امروز خواننده‌ای نیست که نتواند اعمال ۲: ۳۸ و مابقی آن را آن‌گونه که من می‌خوانم، بخواند. ولی بخاطر آیین‌ها و تعالیشان، بدلیل بلیط‌های فرقه‌ای که در جیب خود دارند، علامت وحش که آنها بعنوان کارت عضویت در جیب خود دارند و داشتن آن چیزها، دوباره مسیح را برای خودشان مصلوب می‌کنند. او را در انظارعموم مصلوب می‌کنند. همان خدایی را که وعده‌ی انجام این کار را داده بود، کفر گفته و لعنت را بر نسل می‌آورند.

۱۲۳. حال آنجا، «آنها» نه گناهکاران، «آنها» که کلیسای آن روز است، آنها بر او که کلمه بود، عیب یافتند. درست است؟ آنها بر آن مرد که کلمه بود عیب یافتند و اکنون آنها عیب را در کلامی می‌یابند که از طریق انسانه عمل می‌کند. می‌بینید، آنها برعکس آن هستند. چرا که، در شخص است که روح القدس در حال کار کردن است. این اثبات خداست.

۱۲۴. آنها چگونه باید می‌دانستند که او مسیح بود؟ زیرا اعمال او این را اثبات می‌نمود. او می‌گفت: "کدام یک از شما می‌تواند من را به گناه مَّتْهَم سازد؟ اگر من دقیقاً اعمالی را انجام نداده‌ام که کتب می‌گویند باید انجام دهم، و چنانکه... یک نفر به من بگوید که من کجا عاجز بودم که همان نشانه‌ها را نشان نداده‌ام که من ماشیح هستم، همانی که به شما وعده داده شده است."

آنها می‌گفتند: "خوب، ما موسی را داریم، ما به موسی ایمان داریم."

۱۲۵. عیسی گفت: "اگر موسی را می‌شناختید به من ایمان داشتید. اگر شما... موسی روز من را دید و آرزو داشت تا در این روز زندگی کند. موسی و انبیاء این روز را از دور دیدند و شما درست از طریق آن زندگی می‌کنید." گفت: "شما ریاکاران!" گفت: "علائم آسمان را می‌توانید تشخیص دهید ولی قادر به تشخیص نشانه‌های دوران خود نیستید."^{۳۹}

۱۲۶. آن نشانه‌های زمان اینجاست. چه چیز او را «متعصّب و یا دیوانه» دسته بندی می‌کرد؟ بله، آنها در او، او که کلام بود عیب یافتند.

۱۲۷. او کلمه بود. یوحنا باب اول این را اثبات می‌کند. "در ابتدا کلمه بود، و کلمه نزد خدا بود، و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد." او کلام زنده‌ی خدا بود، زیرا

^{۳۹} اشاره به متی ۱۶: ۳

او، او در حال توصیف خدا از طریق خود بود. او کاملاً تسلیم کلام خدا بود، تا جایی که او و کلام یک بودند. این دقیقاً همان چیزی است که امروز کلیسا باید باشد، که خدا و کلام همان هستند.

۱۲۸. شما چگونه می‌توانید بخشی از آن کلام باشید، در حالی که عملاً تمام آن را انکار می‌کنید؟ و دلیل اینکه این انجام شده است، بخاطر قوم نیست. فکر کنم به این دلیل است که خدا در مورد خطاب کردن قوم او به «موش کور» با من صحبت کرد. این بخاطر این فرقه‌های خودخواه است که مردم را در آنجا وادار به زندگی کردن در راهی کرده‌اند، که آنها زندگی می‌کنند. آنها حقیقت را مصلوب نموده‌اند، و قوم این را یک کفر نامیده و آن را تکفیر می‌کنند. آنها به این تعصب می‌گویند و... و همان خدایی را تکفیر می‌کنند که برای خدمت به او به کلیسا می‌روند.

۱۲۹. از اینرو، من این دسته از روحانیون را امروز محکوم می‌کنم. به نام عیسی مسیح و به اقتدار قدرت کلام خدا، بر علیه این نسل اعلام جرم می‌کنم. شما در حال مصلوب نمودن دوباره‌ی او هستید.

۱۳۰. توجّه داشته باشید "او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است." یک اثبات از کلام خدا در یک انسان.

۱۳۱. دو جلجتا و اتهامات آنها را با یکدیگر مقایسه کنید. "زیرا او خود را خدا می‌داند، ما نمی‌گذاریم که این مرد بر ما حکمرانی کند." آن روز صبح در شورای یهود، هنگامی که تلاش می‌کردند او را مصلوب نمایند، اتهامی که آنها توانستند بر او وارد سازند چه بود؟ که "او خود را خدا می‌اند." او خدا بود. "او سبت را شکسته است." و او مالک سبت بود. ۴۰ آنها او را محکوم می‌نمودند، زیرا خود را خدا می‌دانست. "تو حق نداری این کار را بکنی."

تو هیچ حقی نداری. کاهنان اعظم ما، اگر چیزی باشد باید از طریق کاهنان اعظم ما انجام شود." اکنون آن را با جلجتای امروز مقایسه کنید.

۱۳۲. هنگامی که خدا... پدر را پسند آمد تا فرزند خویش را بلند کند، بواسطه‌ی روح‌القدس بر مریم سایه افکند. بدنی را ثمر آورد که بتواند او و هدف او را خدمت نماید. "خدا در مسیح بود، تمامی پری الوهیت به لحاظ جسم در او بود." ^{۴۱} انعکاس آنچه که خدا برای قوم بود. او به تمام دنیا خبر داد که خدا می‌خواهد هرکس چگونه باشد، یک پسر و دختر. او یک انسان را برگرفت و این کار را کرد و بدلیل اینکه به درجات تشکیلاتی آنها نپیوست، او را محکوم نموده و مصلوب کردند.

۱۳۳. اکنون آن را با جلجتای امروز مقایسه کنید.. [فضای خالی روی نوار] بدلیل تعصبات تشکیلاتی و بدلیل بی‌تفاوتی بین خردمندان که می‌بایست کلام و نقشه‌ی خدا را می‌شناختند. به این دلیل، خدا می‌تواند از طریق قوم کوچکی را که خود را در برابر کلام فروتن ساخته، عمل کند. ایشان را گرفته، خود را از طریق ایشان منعکس سازد و مردم نمی‌توانند بگویند که این گونه نیست.

۱۳۴. آنها نمی‌توانستند بگویند که او این کار را نکرده بود. زیرا جماعت آنها شاهد آن بودند. این در برابر آنها بود. آنها نمی‌توانستند منکر آن باشند. آنها نمی‌توانستند ادعاهای او را انکار کنند. زیرا همان کلامی که می‌گفتند به آن ایمان دارند، همانی بود که او را اثبات می‌کرد. زیرا خدا کلامی که قرار بود ماشیح باشد را گرفته و آن را از طریق یک انسان نشان داده بود و آنها باید از دست او خلاص می‌شدند. این تنها راهی بود که می‌توانستند به آن وارد شوند و آن، خلاصی از ماشیح بود و آنها این را از طریق کوری و بی‌خبری خود، صرفنظر از تحصیلاتشان، انجام دادند. آنها باهوش، زیرک، تحصیلکرده و... بودند.

^{۴۱} اشاره به کولسیان ۲: ۹

۱۳۵. همانطور که این را در یکشنبه‌ی قبل مقایسه کردیم، هنگامی که نور به آن جوان ثروتمند تابید. می‌دانید که او چه کار کرد. او آن را رد کرد، یک مرد خردمند. و پولس بعنوان یک نمونه‌ی دیگر از این خردمندان نور را تابان بر خود دید. او چه کرد؟ آن را پذیرفت. او همه‌ی آنچه را که می‌دانست، فراموش کرد، تا بتواند مسیح را بشناسد. این بود که زندگی او را شایسته‌ی انجیل نمود.^{۴۲}

۱۳۶. امروز هم، چنین است. شاید این نور بر انسانی بتابد که یک دعوت از خدا داشته، بعد به یک مدرسه‌ی دینی رفته و آیین‌ها را آموخته است. او یا باید با آن تعالیم زندگی کند و یا باید کارت عضویت خود را تسلیم نماید. و اگر این کار را بکند به لیست سیاه وارد شده و هیچ کس دیگری او را نمی‌پذیرد. زیرا زمانی او به چیزی تعلق داشت، که اکنون به آن تعلق ندارد. آنها تصوّر می‌کنند که او مشکلی دارد و او را در جماعت خویش نمی‌پذیرند. چراکه جماعت تنها به دنبال یک نشانه است و آن این است، که او به چیزی ایمان داشته باشد، که آنها ایمان دارند.

۱۳۷. اگر او یک کارت داشته باشد. یک متدیست باشد یا یک... به یک جماعت دیگر تعلق داشته باشد، یا یک یگانه انگار و یا تثلیثی باشد. اگر او فقط یک کارت داشته باشد، آنها احساس می‌کنند که مقرهای مرکزی او را بررسی کرده‌اند و افکار او را سنجیده‌اند. از او یک تست روانشناسی گرفته و می‌بینند که آیا ضریب هوشی او به اندازه‌ی کافی بالا هست تا بتواند در برابر آنها صحبت کند؟ اگر چنین نباشد، او را رد می‌کنند. درست است.

۱۳۸. ولی می‌دانید، جماعت باید به دستان خداوند بنگرد که آیا او را مقدر نموده است یا خیر. این چیزی است که ما باید به آن بنگریم. ولی امروز آنها، آنها دوباره پسر خدا را مصلوب می‌کنند؛ درحالی که یک انسان می‌تواند به فیض خدا و توسط خدا خوانده

^{۴۲} اشاره به پیغام «آیا زندگی شما شایسته‌ی انجیل است؟»

شود، تا اجازه دهد خدا از طریق او خود را آشکار نماید. "اعمالی که من انجام دادم، شما هم انجام می‌دهید." توجه کنید که در چه روزی زندگی می‌کنیم!

۱۳۹. آنها، آنها همان جلجتا را گرفته‌اند و همان دلیل را. آنها حقیقت بودن این را می‌دانستند، ولی بدلیل حسادت و تعصب... عیسی به آنها گفت: "اگر من به روح خدا دیوها را اخراج می‌کنم، پس فرزندان شما چگونه این کار را می‌کنند؟ همان‌ها داوران شما باشند؟ می‌بینید، من به روح خدا آنها را اخراج می‌کنم." ۴۳

۱۴۰. حال، مانند آن که شما می‌شنوید که آنها می‌گویند: "می‌توانی ثابت کنی که این دست خداست؟" می‌خواهم بدانم. می‌خواهم سوالی را که از او شد بشنوم.

۱۴۱. توجه داشته باشید: "زیرا او خود را خدا می‌داند." و او خدا بود. "اجازه نخواهیم داد که او بر ما حکمرانی کند."

۱۴۲. ولی حال یک چیزی، همان فریاد قدیمی برمی‌آید: "آن کتاب مقدس به دست انسان نگاشته شده است."

آنها می‌گویند: "مجبور نیستیم تا از طریق آن زیست کنیم." این از خداست. کلام خداست. این خودِ خداست.

دیروز داشتم با یک نفر صحبت می‌کردم. او می‌گفت: "خوب، باید یک انسان کتاب مقدس را نوشته باشد."

من گفتم: "بله. همین طور است. نام او، ما او را بعنوان خدا می‌شناسیم."

۱۴۳. این در یک فاصله‌ی زمانی چهارهزار ساله نوشته شده است. تقریباً تمام کتب از

زمان ایوب تا عهد جدید، در خلال صدها و صدها و صدها سال فاصله نگاشته شده است. نگارندگان آن افراد مختلفی بوده‌اند و بدون اینکه یکدیگر را بشناسند، این را در بخش‌های مختلف کشور نگاشته‌اند و یک کلمه از آن، دیگری را نقض نمی‌کند. هرکسی را به چالش می‌کشم تا زیر خون عیسی مسیح آمده و در آنجا مدعی هریک از وعده‌های خداوند باشد. خدا ملزم است که آن را نگاه دارد.

۱۴۴. اما آنها این کار را نخواهند کرد. آنها آمده و می‌گویند: "اوه خداوند! می‌خواهم کاری انجام دهم. یک عطای عظیم به من بده. هملویاه! جلال بر خدا! ایمان دارم که آن را دریافت نمودم. هملویاه!" این هرگز مؤثر نخواهد بود. می‌توانید تا حدودی به روانشناسی و ثمرات آن برسید، ولی این مؤثر نیست.

۱۴۵. خدا باید این توبه را تشخیص دهد. خدا باید آن را انجام دهد. می‌توانیم در این مورد مدت‌ها صحبت کنیم، ولی امیدوارم که متوجه شده باشید.

۱۴۶. ببینید، آنها حاکمیت کلام را بر خود نخواهند داشت. می‌گویم: "همه‌ی شما بازگردید. تعمد شما غلط است. شما در کلیسای کاتولیک تعمد یافته‌اید."

۱۴۷. "تو که هستی که این را به ما بگویی؟"

"این من نیستم. کلام است."

"ولی من به تو می‌گویم ما، ما ایمان داریم..."

"اهمیتی نمی‌دهم که شما به چه ایمان دارید. این چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید."

"ولی ما مجبور نیستیم که از طریق آن زندگی کنیم."

۱۴۸. شما یا این کار را انجام می‌دهید و یا تحت داوری این کتاب مقدس هستید. زیرا

"هرآنکس که کلامی از آن گرفته و یا کلامی به آن بیفزاید، به همین صورت سهم او از کتاب حیات منقطع می‌گردد." ^{۴۴} خواه خادم باشد، یک فرد روحانی باشد، یا هرکس دیگری باشد. شما باید تحت فرمانروایی این کلام باشید. زیرا این، خداست. کتاب مقدس می‌گوید که این، خداست.

۱۴۹. "ما تحت فرمان آن نخواهیم رفت." آنها آیین‌های خود را و فرقه‌هایشان را و امور کوچکی را که به آن ایمان دارند، برمی‌گزینند، به مشورت انسان رپوده شده و آن را بجای کلام خدا می‌گیرند.

۱۵۰. آنها چه کردند؟ آنها باراباس را، یعنی یک جنایتکار را در روز اولین مصلوب نمودن، بجای پسر خدا برگزیدند.

۱۵۱. و آنها امروز درحال گرفتن و برگزیدن کلام بعضی از انسان‌ها، که دروغ و راه مرگ است، می‌باشند و کلام حیات و برگزیدن آن را رد می‌کنند. من این نسل را محکوم می‌کنم. در کلام خدا متهم می‌کنم، زیرا که در اشتباه هستند. آنها گناهکار مصلوب نمودن هستند، یا تلاش می‌کنند که روح را مصلوب نمایند.

۱۵۲. آنها همه جا برای یک بیداری ندا می‌کنند. چطور می‌خواهید که یک بیداری داشته باشید، درحالی که خود کلام نمی‌تواند توسط مردم کار کند؟ تمایل دارم یک نفر پاسخ این را به من بدهد. چطور می‌تواند این را انجام دهد، درحالی که شما منکر همان بیداری هستید؟ نبی به نیکویی در مورد آنها از «صورت دینداری» صحبت نمود. در آن زمان صورت آنها کلام حیات را انکار نمود و امروز صورت آنها چیزی را انکار می‌کند، که می‌تواند برای آنها یک بیداری را به ثمر بیاورد؛ یک احیاء. بله، آقا!

۱۵۳. آنها فرقه‌ها و آیین‌های خود را برمی‌گزینند و آن، کلام او را مصلوب نموده و آن

را برای قوم بی‌اثر می‌سازد. گاهی آنها کلام خدا را به‌طور آشکار می‌بینند، که خدا وعده‌ی انجام آن را داده است و اینجا درحال انجام آن است. اما آنها آن را تمسخر نموده و از آن کناره می‌گیرند. این کفر است. آنها تلاش می‌کنند که خود کلام را مصلوب سازند.

۱۵۴. چرا آنها آن را مصلوب می‌سازند؟ آنها نمی‌توانند کلام را بیش از آنکه خدا را مصلوب ساختند، مصلوب نمایند. آنها می‌توانند آن جسمی را که حامل خدا بود مصلوب سازند، ولی نمی‌توانند خدا را مصلوب کنند. در آن زمان برای اینکه او، فرزندان بسیاری را که از پیش برای حیات ابدی مقدر شده‌اند به داخل ببرد، مجبور بود که قربانی شود. در آن زمان آنها باید این کار را می‌کردند. ولی اکنون نمی‌توانند این کار را بکنند. آنها نمی‌توانند این کار را انجام دهند. زیرا کلام، خود زندگی خواهد کرد. ولی آنها...

۱۵۵. آنها چه می‌کنند؟ به چه صورتی هستند؟ ای واعظ پس تو چه می‌گویی؟ چطور موضوع خود را اینجا بنا می‌کنی، درحالی که آنها او را مصلوب می‌سازند؟!

۱۵۶. آنها توسط آیین‌هایشان درحال مصلوب نمودن اثر انجیل بر قوم هستند. این مصلوب نمودن است. این جایی است که مردم در مرده شورخانه‌های بزرگی که کلیسا و فرقه خوانده می‌شود، نشسته‌اند. کلام خدا نمی‌تواند اثری بر آن داشته باشد. زیرا آنها همان چیزی را محکوم می‌کنند، که مسیح گفته بود انجام خواهد شد. چرا که این مطابق آیین‌های آنان نیست.

۱۵۷. عیسی هم طوری نیامد که با درک آنها برابر باشد. او طوری آمد که خدا او را فرستاده بود. او کاملاً بر طبق کلام آمد. تعجبی نداشت که او می‌گفت: "این از چشم حکیمان و دانایان مخفی و بر فرزندان مکشوف گشته است." متوجه می‌شوید؟

[جماعت می گویند: "آمین!"]

۱۵۸. او! آنها تأثیر کلام را مصلوب نموده‌اند. اینجا بخش‌هایی از کلام را دارم که تنها دو یا سه مورد آن را نقل خواهم نمود. آنها آن را مصلوب نمودند.

شما می گویند: "آنها چگونه کلام را مصلوب نمودند؟"

۱۵۹. هنگامی که عیسی می گفت ک: "او دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است." آنها می گفتند: "چطور ممکن است؟" می بینید؟

۱۶۰. عیسی در آخرین فرمان خود به کلیسا گفت: "پس رفته در تمام عالم" در مرقس ۱۶ "در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید، این آیات همراه ایمانداران خواهد بود..." تمام دنیا، جمیع خلائق! و هنوز به نیمه هم نرسیده است. هر ساله میلیون‌ها نفر می میرند که هرگز نام عیسی را نشنیده‌اند. پس این هنوز یک دستور همگانی است. این هنوز فرمان خداست "در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید، هر که ایمان آورده تعمیم یابد، نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد براو حکم خواهد شد و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هر گاه دست‌ها بر بیماران بگذارند شفا خواهند یافت." ^{۴۵}

۱۶۱. و آنها می گویند: "این مربوط به آن دوره بود." آنها فرمان خدا را بی تأثیر نموده و تأثیر کلام بر قوم را مصلوب می نمایند. آمین!

۱۶۲. در روز پنطیکاست، پطرس با کلیدهای ملکوت که عیسی به او سپرده بود گفت: "هر آنچه که شما در اینجا بگویید، من در آنجا خواهم گفت."

۱۶۳. آنها در روز پنطیکاست می‌پرسیدند که باید چه کاری انجام دهند تا روح‌القدس را دریافت کنند. همان چیزی که شاگردان از دریافت آن شادمان بودند و دیگران آنها را می‌دیدند که مانند مستان عمل می‌کنند، جست و خیز می‌کنند و...

به آنها می‌گفتند: "ایشان از شراب تازه مست هستند."

۱۶۴. ولی در آنجا مردی ایستاده بود که کلید ملکوت را داشت و می‌گفت: "این مردان مست نیستند... اعمال باب ۲: "این مردان مست نیستند، آن‌گونه که شما تصور می‌کنید. می‌دانید که اینک ساعت سوّم از روز است. بلکه این چیزی است که در مورد آن گفته شده است." می‌بینید، دوباره بازگشت به کلام و نشان دادن اینکه روح، همچنان کلام است و کلام، همچنان روح است. کلام خدا. "و این همانی است که به زبان یوئیل نبی گفته شده است. یوئیل ۲: ۳۸" در ایّام آخر چنین خواهد بود که..."

۱۶۵. به آن نبی که آنجا ایستاده بود بنگرید. او را بنگرید که بی‌پروا، آن بالا ایستاده، آن گروه را محکوم نموده و آنها را متّهم می‌کند. او گفت: "این کلام است! این چیزی است که به زبان نبی گفته شده است! از روح خود بر تمامی بشر خواهم ریخت و پسران شما نبوّت کنند و جوانان شما رویاها و پیران شما خواب‌ها خواهند دید و بر غلامان و کنیزان خود در آن ایّام از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوّت خواهند نمود و از بالا در افلاک عجایب و از پایین در زمین آیات را از خون و آتش و بخار و دود به ظهور آورم" ^{۴۶} از طریق کلام اثبات می‌نماید که این کلام بود.

۱۶۶. آنها خندیده و آن را تمسخر نمودند. بعد آنها به سمت داوری رفتند. شهر سوخت و آنها فرزندان یکدیگر را می‌خوردند. امروز آنان یک قوم پراکنده شده در سراسر دنیا هستند و نشان می‌دهند که روح‌القدس همچنان کلام خداوند می‌ماند تا این کلام را زنده سازد.

۱۶۷. عیسی مسیح یک شخص بود، انسان، خدا. هملویاه! او یک آشکارسازی از خدا بود. او خدا در شکل انسان بود تا کلام خدا برای آن دوره را منعکس سازد. تا آن دوره را وادار به دیدن وعده‌ی خدا برای آن زمانه نماید.

۱۶۸. و امروز روح القدس، همان است. این روح خدا بر کلام مکتوب است که در تلاش برای یافتن کسی است، تا خود را بر این دوره منعکس سازد. تا اثبات نماید که او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است. یوحنا ۱۴: ۱۲ "کارهایی که من می‌کنم شما نیز خواهید کرد."، "عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است." می‌بینید؟ دائماً در تلاش برای یافتن راهی است، تا خود را از طریق آن منعکس نماید.

۱۶۹. آنها نمی‌توانستند این کار را انجام دهند. قوم از فرقه‌هایشان، یعنی آن آشیانه‌های کوچکی که آن را «کلیسا» می‌خواندند، چیزهای زیادی آموخته بودند؛ پس نمی‌توانستند به این گوش دهند. امروز نیز آنها چنین می‌کنند. همان کار، دوباره مصلوب می‌سازند.

۱۷۰. در روز پنطیکاست پطرس گفت: "شما سکنه‌ی اورشلیم و یهودیه، به حرف من گوش دهید. ایشان مست نیستند. اگر صبر کنید به شما می‌گویم که این چیست." و او ادامه داده و آن را برای آنها شرح می‌دهد.

۱۷۱. وقتی آنها دلریش گشتند، وقتی این را شنیدند، گفتند: "چه کاری می‌توانیم بکنیم تا نجات یابیم؟ چه کاری می‌توانیم بکنیم تا این را دریافت نماییم؟ ما متقاعد شده‌ایم که کلام شما حقیقت است."

۱۷۲. پس او گفت: "توبه کنید و هریک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا که این وعده است برای شما و برای فرزندان شما و همه‌ی آنانی که دورند یعنی هر که خداوند خدای ما را

بخواند. این کاری است که آنها می‌بایست انجام دهند، توبه و تعمید به نام عیسی مسیح.^{۴۷}

۱۷۳. و امروز کلیسای کاتولیک رومی «پدر، پسر و روح‌القدس» را جاگزین آن نموده است. بجای آن یک مشارکت در عشاء «زبان خود را بیرون آورده و نان فطیر را می‌گیرید، کشیش شراب را می‌نوشد و شما همه باهم یک هستید.» عشاء بجای روح‌القدس بودن خطاب می‌شود: «شکرگذاری مقدس» و یک «پدر، پسر و روح‌القدس» یعنی یک تعمید تثلیثی درحالی که در کتاب مقدس هیچ صحبتی از آن نشده است. نام پدر، پسر و روح‌القدس، خداوند عیسی مسیح است. و زمانی که این را به نسل پیش رو نشان می‌دهید...

۱۷۴. همان‌گونه که پطرس گفت: "خود را از این نسل برهانید."

۱۷۵. هنگامی که این را به ایشان نشان می‌دهی چه می‌کنند؟ آن را تمسخر نموده و می‌گویند: "کلیسای ما این را اینطور تعلیم نمی‌دهد." آن وقت شما گناهکار هستید. گناهکار مصلوب نمودن عیسی مسیح، از طریق دور کردن قوت روح‌القدس از قوم. شما همان کلام را برای آنها مصلوب می‌کنید و خود را با جماعت خویش محکوم نموده و آنها را به دام مرگ هدایت می‌کنید.

۱۷۶. همان‌گونه که یکشنبه‌ی گذشته در مورد آن خادم، مارتین لوترکینگ^{۴۸} صحبت کردم، با آن قوم پربهای ایشان که آنها را به کام مرگ هدایت می‌کرد. او! ایکاش یک نفر می‌توانست با او صحبت کند. ایکاش می‌توانستم. فقط برای یک شورش... چه فرقی می‌کند؟ خدا می‌داند. اگر مردم آنقدر دل ندارند تا با یک انسان بخاطر رنگ پوستش در ارتباط باشند، پس بهر حال محکوم و مرده‌اند. چه می‌شد اگر یک نفر می‌گفت که

^{۴۷} آیات این بخش همگی به اعمال رسولان باب ۲ اشاره دارد.
^{۴۸} Martin Luther King

تمام ایرلندی‌ها و یا آلمانی‌ها و یا هرکس دیگری باید تفکیک شوند؟ این هرگز نمی‌تواند باعث آزار مسیحیان بشود. آنها به این ارتباط ادامه خواهند داد، و آن مرد یک مسیحی است. بعنوان، بعنوان یک خادم او نمی‌بایست آن مردم را به شورش بر علیه آن هدایت کند. آنها می‌خواهند باعث مرگ میلیون‌ها نفر شوند. این یک انقلاب دیگر را برپا خواهد کرد. انجام این کار یک شرم است.

۱۷۷. همین اتفاق در اینجا هم رخ می‌دهد. دقیقاً همین اتفاق. درست است. می‌بینید؟ چه می‌شد اگر مردم می‌توانستند تنها به حقیقت نظر کنند و ببینند حقیقت چیست؟ "کلیسای ما به این ایمان ندارد، ما روش دیگری داریم." خوب، این راه درست نیست. این درست نیست.

۱۷۸. پطرس گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به جهت آموزش گناهان به نام عیسی مسیح تعمید گیرید." آنها این کار را نخواهند کرد، پس چه کردند؟ این تنها یک مورد است، یک مورد از صدها مورد. تا جایی که بتوانیم به آن می‌پردازیم.

۱۷۹. حال، دوّمین مصلوب نمودن. اگر انسان «پدر، پسر و روح‌القدس»، یعنی یک آیین بجای کلام و عناوین را بجای نام او بپذیرد! او با قوم چه می‌کند؟ هنگامی که می‌گویند: "مرقس ۱۶ تنها مربوط به آن نسل بود." تأثیر کلام بر مردم را مصلوب می‌سازند.

۱۸۰. و خدا گفت، خود خدا در آنجا گفت، یعنی عیسی که با آنها صحبت می‌کرد: "در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. هر که ایمان آورده تعمید یابد نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود..." چطور آنها نباید ملعون باشند. "و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود..." تا کجا؟ هراّت، هر زبان، هر نژاد، هر قوم، همان انجیل. "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود." و هنگامی که یک انسان تلاش می‌کند تا این را از

کتاب مقدس خارج کند، تأثیر انجیل بر آن جماعت را مصلوب می‌کند. پس من به نا عیسی مسیح شما را محکوم می‌کنم! شما گناهکار و محکوم به قتل خداوند هستید!

۱۸۱. کلیسا از او متنفر بود. چرا؟ او همان خدای آنها بود، آنها از او متنفر بوده و ماسیح بودن او را انکار می‌کردند. نه آقا! آنها ماسیح را اینچنین نمی‌خواستند.

۱۸۲. امروز نیز کلیسا همان کار را انجام می‌دهد. او کلام را انکار می‌کند. آنها این را نمی‌خواهند. این متناقض با آن چیزی است که آنها از طریق آیین‌های خویش به آن ایمان دارند.

۱۸۳. و کلمه، ماسیح است. آیا ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] خوب، پس آن وقت انعکاس کلام چیست؟ بازتابی از ماسیح، که همان روح القدس است، که در میان ماست. او در حال انعکاس خویش است. تلاش می‌کند تا در هر جایی که می‌تواند روشنایی بیابد تا بتواند از آن طریق نشان دهد که به آیین‌ها و... آلوده نشده است. او می‌تواند از طریق آن روشنایی را بدهد.

۱۸۴. بخاطر داشته باشید: "آنها برخاسته و مشعل‌هایشان را اصلاح نمودند و همه چیز را شستشو دادند، ولی خیلی دیر شده بود." ^{۴۹} "لوتری‌ها، پرزبیتری‌ها، متدیست‌ها و... را می‌بینید که تلاش می‌کنند به این ایام آخر وارد شده و روح القدس را دریافت کنند. می‌دانید؟ موفق به دریافت آن نمی‌شوند. شاید آنها به زبان‌ها صحبت کنند و بالا و پایین بپرند. ولی می‌بینید که چه رخ می‌دهد. آنها کاملاً... این یک نشانه‌ی زمان است که کار او یعنی «کلیسا» تمام است. ما در انتها هستیم.

۱۸۵. کلیسا بیش از هر زمان دیگری با این چالش که «به اینجا صعود کنید!» روبرو است.
آمین!

۱۸۶. دقیقاً بر طبق آنچه باید باشد، روح القدس در اینجا در حال تحقّق بخشیدن به عیسی مسیح از طریق کسانی است که می‌تواند توسط آنها کار کرده و خود را اثبات نماید. پایین آمده و تصویر او گرفته شده، نشان داده شود، علم و در مورد آن صحبت کند و هر چیز دیگری... درست به همان ترتیبی آن را اثبات می‌کند، که وعده‌ی آن را داده بود. از نظر کتاب مقدّسی، دقیقاً همان اعمالی را انجام می‌دهد، که گفته بود انجام می‌دهد. حال نه چند آیین، نه افکار انسانی، نه خون و آتش و دود و... بلکه یک مدار مسیحایی کتاب مقدّسی، تقلیدها و مقلّدین بسیاری هستند، ولی آنها تنها باعث این هستند که کلام راستین بهترین درخشش خود را داشته باشد. درست است. قومی که روحانی باشد، می‌تواند بین درست و غلط قضاوت کند. می‌بینید؟

۱۸۷. آنها ماشیح خویش را انکار نمودند. "ما او را نمی‌خواستیم." و امروز نیز دقیقاً همان امر تکرار می‌شود. "خوب، اگر مجبور باشم به آنجا بروم و مانند آن افراد باشم، اصلاً این را نمی‌خواهم." بسیار خوب، آن وقت اصلاً کلام را ندارید. می‌بینید؟

۱۸۸. اگرچه او بدرستی شناسانده شده بود، ولی آنها او را نمی‌خواستند و از او متنقّر بودند. چرا این گونه بود؟ ما شبانان آنها را مشتی «مار» می‌خوانیم. او گفت: "شما مانند قبرهای سفید شده هستید که از بیرون زیبا می‌نمایند لیکن درون آنها از استخوان‌های مردگان و سایر نجاسات پر است!"^{۵۰} می‌بینید؟ یک جلیلی ساده، پسر یک نجّار! ولی او این را بی‌پرده به آنها گفت.

۱۸۹. یوحنا ی تعمید دهنده، پیشرو او خطاب به قوم گفت: "نگوید که پدر ما ابراهیم است، زیرا خدا قادر است تا از این سنگ‌ها برای ابراهیم فرزندان بسازد."^{۵۱} "بله آقا!" اینک داس ریشی درختان گذاشته شده است و هر درختی که میوه نیاورد بریده شده و در آتش افکنده

خواهد شد.^{۵۲} "خدا با کلام خویش دقیق، سخت گیر و... است.

۱۹۰. توجّه کنید! عیسی توسط کلام اثبات شده است. صدای من را می شنوید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] عیسی توسط خدا و از طریق کتب شناسانده شده بود، که ماسیح است. اینطور نیست؟ ["آمین!"] تا چند دقیقه دیگر می پردازیم به اعلام جرمی که پطرس انجام داد و شما خواهید دانست که درست است یا خیر. او کاملاً شناسانده شده بود که خدای آشکار شده در جسم است؛ که پسر خدا خطاب شده است. درست است. او به درستی شناسانده و کلام وعده را اثبات نموده بود که او ماسیح بود. موسی گفته بود: "زمانی که این ماسیح بیاید، او یک نبی خواهد بود. و تمام این امور واقع خواهد شد."

۱۹۱. آن زن با آن وضعیّت نامناسب و تمام آن مشکلاتش کنار چاه ایستاده بود. این حاکی از چه بود؟ که خدا در این ایّام آخر مطرودان را جمع خواهد کرد.

۱۹۲. دیشب را به یاد بیاورید، در... یا زمان دیگری که من در اینجا موعظه کردم. در بزم عروسی آنها می گفتند: "بزمی بزرگ بر پا داشته‌ام و... تمام این مردمان که دعوت نموده‌ام، هریک بهانه‌ای داشتند."

مانند: "نمی توانم این کار را بکنم زیرا ممکن است که آیین‌های ما را تباه سازد."

"نمی توانم بیایم زیرا من... زیرا من ازدواج کرده‌ام. همسر من به من اجازه‌ی آمدن را نخواهد داد."

"من، من با یک کلیسا در آنجا ازدواج کرده‌ام."

"مادر من یک متدیست، یک باپتیست، یک کاتولیک، یا پروتستان و... بود. من نمی توانم متحمّل آن بشوم."

۱۹۳. او گفت: "شما نخواهید آمد. شما از شام عروسی من نخواهید چشید! بلکه بیرون رفته فواحش و... و مستان را به اینجا بیاورید، آنها را به داخل بیاورید من آنها را اصلاح خواهم نمود. من شام خویش را مهیا نموده‌ام و مهمانان من... میز حاضر است و باید کسی در آنجا باشد." ^{۵۳} آنها نیامدند. او داشت یهودیان را محکوم می‌کرد.

۱۹۴. امروز چطور؟ "من، من پرزبیتی هستم. متدیست هستم. لوتری هستم. یگانه‌انگار هستم. من این هستم. من آن هستم. نمی‌توانم..." بفرمایید! آن وقت شما هم آنجا نخواهید بود. این دقیقاً چیزی است که او گفت.

۱۹۵. بدرستی اثبات شده بود که او ماشیح است. بدرستی اثبات شده بود که کلام است، کلام وعده داده شده. خدایی که آن را وعده داده بود که این ماشیح خواهد بود، اکنون در بین آنها ایستاده بود. او به آنها گفت: "اگر نمی‌توانید بعنوان انسان به من ایمان بیاورید، به اعمالی که انجام می‌دهم ایمان بیاورید. زیرا آنها چیزهایی هستند که می‌گویند من که هستم. آنها هستند که می‌گویند من ماشیح هستم. شما نمی‌خواهید به من ایمان بیاورید چون فکر می‌کنید یوسف... من در یک کلبه به دنیا آمده‌ام و پدرخوانده‌ی من یک نجار است و، و شما..."

۱۹۶. هنگامی که به جلیل آمد آنها می‌گفتند: "این مرد کیست؟ خوب این مرد، آیا او... آیا برادران او با ما نیستند؟ خواهران او با ما نیستند؟ مادر او مریم نیست و پدر او یوسف نام ندارد؟ کجا، چنین فردی را از کجا یافته‌اید؟ او از کدام مدرسه می‌آید؟ او هیچ کارت عضویتی ندارد. او صلاحیت و اعتباری ندارد و... او را از کجا یافته‌اید؟"

۱۹۷. و کتاب مقدس می‌گوید که او مضروب گشت... او نتوانست اعمال زیادی آنجا انجام دهد و روی خود را برگرانده، از آنها جدا شد. او گفت: "نبی بی‌حرمت نباشد،

مگر در خانه‌ی خویش.^{۵۴} "می‌بینید؟ در وطن خویش.

۱۹۸. ایناهاش، ماشیح که بدرستی اثبات شده است به خود هیچ اعتباری نداد، بلکه گفت: "نمی‌توانم از خود کاری انجام دهم، مگر آنچه که دیدم پدر انجام می‌دهد."^{۵۵} و او آنها را به چالش انداخت تا از او پرسند که آیا او ماشیح است.

۱۹۹. حال به آن زن بیمار بنگرید. او این را تشخیص داد. او دارای مدرک تحصیلی نبود... او از نظر اخلاقی مشکل داشت ولی او...

۲۰۰. می‌بینید، خدا شما را براساس آن چیزی که هستید داوری نمی‌کند... او شما را براساس اینکه چقدر بزرگ و یا کوچک هستید داوری نمی‌کند. داوری او براساس قلب شماست. او قلب شما را داوری می‌کند. آنچه که، می‌خواهید باشید.

۲۰۱. و آن زن هیچ یک از این چیزها را نمی‌خواست. وقتی که این در برابر او درخشید، چیزی بود که او می‌خواست. دیگر مهم نبود که او چه بود، او آماده‌ی آمدن بود. می‌بینید؟ خدا قلب را داوری می‌کند و داوری انسان براساس ظاهر بیرونی است. خدا به قلب نگاه می‌کند. مهم نیست که او چه بود. آن نور درخشید... او حیات ابدی را بدست آورده بود.

۲۰۲. اوه، خدای من! دیدن و دانستن اینکه این حقیقت است چقدر برای من باشکوه است. من با این می‌مانم. من... خدا بلند خواهد کرد و صدای من آن‌سوتر از این زمان عظیم خدا، بر روی نوارهای مغناطیسی، در ایام آخر این نسل را محکوم خواهد نمود. درست است. این نسل از واعظین محکوم هستند که صورت دینداری دارند و قوت کلام و آشکار شدن او را، هنگامی که دیروز، امروز و تا ابدالآباد بودن او اثبات شده است، انکار می‌نمایند. من آنها را با کلام خدا محکوم می‌نمایم.

^{۵۴} منی ۱۲ : ۵۷ - یوحنا ۴ : ۴۴ - مرقس ۶ : ۴ - لوقا ۴ : ۲۴
^{۵۵} یوحنا ۵ : ۱۹

۲۰۳. باید به سرعت یک وعده‌ی دیگر را برگزینم، چون تنها حدود پانزده دقیقه زمان داریم.

۲۰۴. «آنجا آنها، آنجا آنها...» چه؟ اوه خدای من! جلجتا! و سوّمأ آنها او را مصلوب نمودند. آنها با تشخیص ندادن وعده‌ی آشکار شده‌ی کلام، او را مصلوب نمودند. و چرا آنها او را مصلوب نمودند؟ می‌توانید فقط تصوّر کنید؟ بگذارید یک دقیقه به عقب برگردیم. چرا آن قوم باید مردی مانند او را مصلوب می‌نمودند؟

۲۰۵. یک بار کتابی می‌خواندم به نام «پرنس خانه‌ی داود» نوشته‌ی اینگراهام،^{۵۶} دکتر اینگراهام. کتابی عالی! این یک کتاب درام است، که تصوّر کنم بخشی از آن واقعی و برگرفته شده از زنی به نام آدینه^{۵۷} است. او از قاهره در مصر، به گمانم برای ادامه‌ی تحصیل به فلسطین می‌رود. او در خلال دوره‌ی مصلوب نمودن مسیح در آنجا بوده و با پدر خود مکاتبه می‌کرده است. بد نیست این کتاب را بخوانید. کتاب واقعاً خوبی است. پرنس خانه‌ی داود. نویسنده‌ی آن همان کسی است که ستون آتش را نوشته و سیل دیمیلز^{۵۸} کتاب ده فرمان را از آن برگرفته است.

۲۰۶. حال ما می‌بینیم که او در این کتاب، در مورد روز مصلوب نمودن نوشته است. مریم مجدلّیه که هفت دیو از او اخراج شده بود به طرف جمعیت دوید و گفت: "او چه کرده است؟ او چه کرده است؟ او فقط بیماران را شفا داده و تلاش کرده تا اسیران را رهایی بخشد. او به جز نیکویی چه کرده است؟ یک نفر این را بگوید."

۲۰۷. یک مرد به صورت او سیلی زده و او را به آن سمت پرتاب کرده و گفته است: "آیا به این زن نادان بیش از کاهنان خود ایمان دارید؟"

۲۰۸. بفرمایید. می‌بینید؟ او چه کرده است؟ او کاری نکرده است. چرا آنها او را مصلوب نمودند؟ چرا؟ چرا؟ زیرا آنها تشخیص ندادند او چه کسی بود.

۲۰۹. امروز نیز همین‌طور است. واعظین و مردم امروز، معلمین مدرن ما، قوم را مجاب نموده‌اند تا باور کنند این «جادوگری، شریر، تله‌پاتی ذهنی و یا... یا یک جور حقه است.» تا جایی که قوم تشخیص نمی‌دهد، این اثبات کلام خدا برای این روز است. این نشانه‌ی زمان آخر است.

۲۱۰. اگر به تشکیلاتی متعلق نباشی، کلیساها خواهند گفت: "خوب، این یک جعل است. یک فریبکاری است. خوب، اینجا را بنگر، به فلان و فلان و یا به فلان و فلان" ولی بگذارید که یک بار فریب بودن این حقیقت را اثبات کنند. آها! بگذارید یک بار غلط بودن این را اثبات کنند. نمی‌توانند این کار را انجام دهند. هرگز اشتباه نبوده و هرگز هم نخواهد بود. چون این خداست. می‌بینید؟ ولی آنها دوست دارند...

۲۱۱. آنها فکر می‌کنند: "خوب، اگر این مراسم بزرگی داشت!" و چون این یک گروه کوچک است، یک گروه جمع کوچک که طرد گشته است با خود می‌گویند: "خوب، ما آن فرد را از کلیسای خود بیرون رانده‌ایم." می‌بینید؟ "آنها باید به گروه ما می‌آمدند. می‌دانید، ولی با این رفتند و با آن ماندند و حال... می‌دانید؟ آنها به انتها رسیده‌اند و..."

۲۱۲. اهمیتی نمی‌دهم. آنها می‌توانستند همین را در مورد پطرس، یعقوب و یوحنا بگویند. به آنها می‌گفتند «افراد جاهل و تعلیم نیافته» ولی آنها باید توجه می‌کردند که در آن زمان یک اتّفاقی افتاده بود. آنها با عیسی بوده‌اند. این چیزی است که تفاوت را ایجاد می‌کند. متوجه هستید؟

۲۱۳. آنها این کار را می‌کردند، چون نمی‌دانستند او که بود. آنها نمی‌دانستند که اثبات کلام خدا آن روز آنجا ایستاده بود... حال، این یک روز بود، در یک روز فقط شریعت

و... را حفظ کردند. همان شریعتی که آنها آن را حفظ می‌کردند، زمانی را که او باید بیاید و مردی را که قرار بود بیاید، بدیشان خاطر نشان می‌کرد. آنها این بخش را داشتند، ولی بخش دیگر را برگزیده بودند.

۲۱۴. و این همان کاری است که آنها الآن در حال انجام آن هستند. آنها یک کلیسا دارند و «به عیسی مسیح ایمان دارند». یعنی می‌گویند که ایمان دارند و... ولی ساعتی را که در آن زندگی می‌کنیم انکار می‌کنند. باز به یاد همان مثل قدیمی افتادم که می‌گوید: "انسان همیشه خدا را برای کارهایی که انجام داده است پرستش می‌کند. چشم انتظار کارهایی است که انجام خواهد داد و از آنچه در حال انجام آن است، چشم پوشی می‌کند." و توسط آن محکوم شده است. آنها با خود فکر می‌کنند: "خداوند عالی است! او چقدر عظیم است! قرار است که او کاری انجام دهد. قرار است که او بیاید و یک ربه شده شدن اتفاق بیفتد و..." اما همان آیات و معجزاتی را که کتاب مقدس می‌گوید در حال انجام آن خواهد بود، انکار می‌کنند و همه چیز را از دست می‌دهند!

۲۱۵. عیسی گفت: "اگر کوری راهنمای کور دیگر باشد هر دو به چاه خواهند افتاد." ۵۹
دعا کنیم تا در این ایام آخر خدا چشمان ما را باز کند.

۲۱۶. امروزه آنها همان را انجام می‌دهند. امروز آنها همان خدا را بدون اینکه بشناسند، انکار نموده و مصلوب می‌کنند. همان کار، انکار او. با انکار او و انجام کارهایی که امروز انجام می‌دهند، فقط مسیح را مجدداً صلوب نمی‌کنند، بلکه به روح القدس کفر می‌گویند. چطور آنها روح القدس را تکفیر می‌کنند؟ چطور؟

۲۱۷. آنها در گذشته، در آن زمان چگونه روح القدس را تکفیر نمودند؟ آنها نمی‌توانستند در آن زمان آن را تکفیر نمایند. چراکه هنوز نیامده بود. آنها عیسی را

«بعلزبول» می خواندند. به او «بعلزبول» می گفتند، چون می توانست اسرار دل ایشان را بداند. آنها می گفتند: «این شریر است.» به عبارتی دیگر: «او یک پیشگو است. این گونه است که او این کار را می کند، از طریق پیشگویی. او چیزی نیست به جز شریر.» می بینید، آنها در طول چهارصد سال نبی نداشتند و در این زمینه رشد نکرده بودند. می بینید؟ آنها تنها شریعت خویش را داشتند و می گفتند: «این بعلزبول است.»^{۶۰}

۲۱۸. حال ببینید، عیسی به آنها می گفت: «شما را به این خاطر می بخشم. ولی هنگامی که روح القدس بیاید و کلامی برضد او بگویید، هرگز بخشیده نخواهید شد.»^{۶۱}

۲۱۹. بخاطر داشته باشید، شما هم زمانی روح خدا، کلام خدا را که بواسطه‌ی روح اثبات گشته است، تکفیر می کنید... می بینید؟ کلام می گوید، روح اثبات آن است و شما آن را یک «چیز ناپاک» می خوانید. شما مرز بین بخشش و داوری را رد نموده‌اید و هرگز نمی توانید بخاطر آن بخشیده شوید. به هیچ عنوان نمی توانید.

۲۲۰. به این دلیل است که، من این نسل را به گناهکار بودن در مصلوب نمودن و تکفیر پسر آشکار شده‌ی خدا، همان گونه که توسط تمام انبیاء وعده داده شده بود، و خود مسیح که باید در ایام آخر باشد، به همان صورتی که در ایام نوح بود، در ایام سدوم بود، متهم می نمایم. کفر! به جہتی که آنها دوباره پسر خدا را برای قوم مصلوب می نمایند. او کلام اثبات شده است. یک کلمه بر علیه آن، هرگز بخشیده نخواهد شد.

۲۲۱. حال، پس شما می خواهید چه کنید؟ می خواهید متحمل چه چیزی شوید؟ آنها محکوم شده‌اند و تنها در انتظار جاری شدن خشم خدا هستند.

۲۲۲. آنها، این نسل از مردم، تعالیم انسانی فرقه‌ها و دگم‌ها را بیش از کلام اثبات شده‌ی

^{۶۰} اشاره به متی باب ۱۲ - مرقس باب ۳ - لوقا باب ۱۱
^{۶۱} اشاره به لوقا ۱۲ : ۱۰ - متی ۱۲ : ۳۲ - مرقس ۳ : ۲۹

خدا دوست دارند. او! ایکاش زمان بیشتری برای پرداختن به این در اختیار داشتیم. می‌بینید؟ این نسل از مردم، این نسل مکاشفه‌ی خدا را تحقیر می‌کند. ولی ما در جایی قدم می‌گذاریم که رسولان گام برداشته بودند.

"خدایا! شما می‌گویید؟ خوب، دیگران هم این را می‌گویند." خدا است که این را اثبات می‌کند.

۲۲۳. عیسی می‌گفت: "اگر اعمالم از من سخن نمی‌گوید، پس شما بگویید که این را از خود می‌گویم. ولی اگر اعمال سخن می‌گویند، بهتر است به آن عمل ایمان داشته باشید. می‌بینید، زیرا اکنون... " می‌گفت: "شما می‌دانید که فردا آفتاب می‌تابد و یا هوا نامساعد خواهد بود. هنگامی که آسمان سرخ باشد... " می‌گفت: "شما می‌توانید علائم آسمان را تشخیص دهید، ولی این آیات زمان، شما هیچ چیز در این مورد نمی‌دانید. اگر خدا را می‌شناختید، روز من را می‌دانستید." ۶۲

۲۲۴. آنها می‌گفتند: "تو خود را خیلی بزرگ می‌دانی، تو خود را خدا می‌دانی." و او را بر صلیب قرار دادند.

۲۲۵. و امروز، روح‌القدس سوّمین شخصیت الوهیت نیست. این خودِ خداست که به واسطه‌ی خون عیسی مسیح در جسم انسانی آشکار شده، تا حیاتی را که می‌تواند از طریق آن انعکاس یابد، تقدیس نماید. و آنها همان کلام را که آشکار گشته مصلوب می‌نمایند. درک می‌کنید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] مصلوب نمودن عیسی! امروز قومی هست که پسر آشکار شده و اثبات شده‌ی خدا در بین قوم، از طریق چیزهایی که گفته بود در این ایام آخر توسط کلام او رخ می‌دهد را انکار می‌کنند. می‌بینید؟

۲۲۶. حال، اگر او همان پسر خداست، باید اثبات آن نیز همان باشد. زیرا او در یوحنا ۱۴: ۱۲

^{۶۲} تمام آیات این بخش به متی باب ۱۶ اشاره می‌کند.

گفت: "کارهایی را که من می‌کنم شما نیز خواهید کرد"

عبرانیان ۱۳: ۸ "عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است."

یوحنا ۱۵: ۷ "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد." بله آقا!

۲۲۷. به یاد داشته باشید، آنها افرادی بسیار مذهبی بودند که این کار را کردند. آنها غریبه و بیگانه نبودند. آنان افراد مذهبی آن زمان بودند و این چیزی است که امروز نیز انجام می‌شود. همان مردم مذهبی، همان مصلوب ساختن، همان اعمال و...

۲۲۸. «آنجا آنها او را مصلوب نمودند.» پس آنها داشتند کلام خدا را که آشکار شده بود، رد نموده و آیین‌های خود را بجای آن کلام می‌پذیرفتند.

۲۲۹. این کاری است که امروز آنها انجام می‌دهند؟ دقیقاً، آنها امروز همین کار را انجام می‌دهند. او کلام بود و آنها کلام را رد نمودند. این موضوعی است که نمی‌خواهم آن را از دست بدهید. او کلام بود و هنگامی که آنها او را رد نمودند، در حقیقت کلام را رد نمودند و هنگامی که او را رد نمودند، نهایتاً مصلوبش کردند. و این چیزی است که امروز هم آنها انجام داده‌اند، رد نمودن کلام خدا و برگزیدن آیین‌های خویش. عملاً در برابر جماعت خویش عمل روح‌القدس را مصلوب نموده‌اند.

۲۳۰. پانزده سال است که شاهد حرکت او در تمام کشور هستم و آنها همچنان به آیین‌های خویش چسبیده‌اند. آنها گناهکارند! آنها کلامی را که می‌توانست کلیسا، تمام کلیسا را باهم یکی کند و یک اتحاد بزرگ برادری بین پنطیکاستی‌ها و سایر آنها ایجاد کند، گرفته و بجای انجام این کار، آن را رد کرده و تمسخر نمودند. حال...

۲۳۱. و حال بر طبق نقشه‌ی شریر، با یک اتحادیه‌ی کلیساها تلاش می‌کنند بیانند و

بگویند: "ما خواهیم آمد تا مقداری روغن بخریم." آنها طرد شده‌اند، آنها... آنها گناهکار مصلوب نمودن عیسی مسیح هستند. یا باید آن را بر طبق شرایط خدا بپذیرید، یا شرایط شما مؤثر نخواهد بود. می‌بینید؟

۲۳۲. آنها کلام آشکار شده‌ی خدا را بخاطر آیین‌هایشان رد نمودند و امروز در حال انجام همان کار هستند. یوحنا ۱: "او کلمه بود." عبرانیان ۱۳: ۸ می‌گوید: "او دیروز، امروز و تا ابد الابد همان است." حال آنها دوباره در حال مصلوب نمودن او هستند.

۲۳۳. می‌دانستید کتاب مقدس گفته است که ما این کار را خواهیم کرد؟ چند نفر می‌خواهند که چند لحظه آن را بخوانیم؟ پانزده دقیقه دیگر به من وقت می‌دهید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] بسیار خوب. حال برگردیم به مصلوب نمودن دوباره. برویم به عبرانیان باب ۶ و چند لحظه آن را بخوانیم. عبرانیان باب ۶، ببینیم که ما «پسر خدا را دوباره مصلوب می‌کنیم.» و ببینیم که می‌تواند انجام شده باشد.

شما می‌گویید: "نمی‌توانید او را برای دوّمین بار مصلوب سازید."

۲۳۴. متوجه خواهیم شد که می‌توانیم یا نمی‌توانیم. کلام خدا راست است. درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] عبرانیان ۶: ۱.

"^۱ بنابراین از کلام ابتدای مسیح در گذشته، به سوی کمال سبقت بجوئیم و باردیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان به خدا ننهیم.^۲ و تعلیم تعمیدها و نهادن دست‌ها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را.^۳ این را بجا خواهیم آورد هرگاه خدا اجازت دهد."^{۶۳}

۲۳۵. می‌بینید، پولس می‌خواهد تا بدانیم که این چیزها کاملاً ضروری هستند. تعمیدها، گذاردن دست‌ها، قیامت از مردگان، آمدن ثانویه و تمام این چیزها ابدی هستند. اینها

کاملاً حقیقت هستند.

۲۳۶. حال توجّه کنید: "زیرا محال است..." این را با من بخوانید، آیه‌ی چهارم [برادر برانهام و جمعیت سه آیه‌ی بعدی را با هم می‌خوانند].

"زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذّت عطای سماوی را چشیدند و شریک روح‌القدس گردیدند

و لذّت کلام نیکوی خدا و قوت عالم آینده را چشیدند،

اگر بیفتند، محال است که ایشان را باردیگر برای توبه تازه سازند. درحالی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می‌سازند و او را بی‌حرمت می‌سازند."

۲۳۷. این کلام من است یا او؟ به یاد داشته باشید، آنها هرگز این را... آنها ایمانداران محدود بودند. "بعد از اینکه به معرفت کلام خدا رسیده باشیم." شما این را از یک معرفت بدست می‌آورید، از خواندن و دیدن آن "و بعد آن را رد کنیم، آن وقت، شما، محال است که دیگر بتوانید نجات یابید." حال این را متوجّه می‌شوید؟ می‌بینید، "او به معرفت راستی رسیده است."

۲۳۸. این مانند ایمانداران آنهاست که بیرون رفتند. این نمونه‌ی همان سفر است. این، این سوّمین، این سوّمین خروج تنها یک نمونه از بقیّه‌ی آنهاست. نگاه کنید، نگاه کنید. آنجا را ببینید. حال بگذارید یک چیزی به شما نشان دهم. فقط یک دقیقه.

۲۳۹. اسرائیل دوازده مرد را، یعنی از هر سبط یک نفر را، سران فرقه‌ای، برگرفت و به حدود سرزمین موعود فرستاد و چیزهای نیکویی که در راه بود را به آنها نشان داد. آنچه آنها داشتند... آنها باز گشتند و شکایت کردند که "ما قادر به انجام این نیستیم."

۲۴۰. ولی دونفر از آن دوازده نفر، یعنی یوشع و کالیب بودند که به کلام نظر داشتند و

گفتند: "خدا گفته است که این از آن ماست. پس قادر هستیم تا آن را بگیریم." درست است؟ [جماعت می گویند: "آمین!"]

۲۴۱. این چه بود؟ ایمانداران محدود. می بینید، آنها واقعاً در کلیسا متولد شده بودند. سران قوم بودند، اسقفان بودند و درست در جایی قدم می گذاشتند که درستی کلام خدا نشان داده شده بود. "این آن سرزمین است!" آنها هرگز آنجا نبودند و از وجود آن بی اطلاع بودند، اما آمدند تا ببینند که این، همان وعده است. یوشع و کالیب به تجسس پرداختند و با خود مقداری انگور آوردند و قوم مقداری از آن را چشیدند. آنها نیکویی آن سرزمین را چشیدند و بعد گفتند: "ما نمی توانیم این کار را بکنیم." می بینید؟ "ما نمی توانیم این کار را بکنیم."

۲۴۲. همان گروه در زمان عیسی مسیح نیز وجود داشت. "ای استاد! می دانیم که تو معلمی فرستاده شده از جانب خدا هستی." می بینید؟ "می دانیم که تو معلمی از جانب خدا هستی. هیچ انسانی نمی تواند کارهایی را که تو می کنی انجام دهد. ما تشخیص می دهیم که خدا باید با تو باشد." پس چرا آنها این را نپذیرفتند؟ چرا آن را برنگزیدند؟ مرز! مرز!

۲۴۳. آنها اینجا در خروج سوم هستند. همان علامت، همان آشکار شدن، همان مسیح، همان روح القدس، همان اعمال، همان خدا، همان پیغام و آنها نمی توانند آن را برگزینند. زیرا با پذیرش آن مجبور خواهند بود تا کارت عضویت خود را تحویل بدهند. این چیست؟ «آنها از حقیقت آگاهی داشته اند.» آنها نگاه کرده و دیده اند که این کاملاً حقیقت است. آنها قادر به انکار این نیستند. مجلات باید شهادت بدهند که این را دیده اند. تصاویر، روزنامه ها، شواهد، برخاستن از مرگ، اظهارات پزشکان در مورد بیماران، آنها باید بگویند که این اوست و پیشگویی ها، حتی یک مورد از آنها در تمام این سالها غلط نبوده است. هریک از آنها، نقطه به نقطه، چیزی نمی توانند بگویند، جز اینکه این خداست. ولی آنها قادر به پذیرفتن این نیستند.

۲۴۴. درشیکاگو گروهی کثیر از خادمین، در حدود سیصد نفر و یا بیشتر، می‌خواستند بیابند و به نام عیسی مسیح تعمد بگیرند. اکنون آنها کجا هستند؟ بهای این کار بسیار سنگین است. آنها قادر به انجام آن نیستند. این چیست؟ کتاب مقدس گفت هنگامی که آنها آن را انجام دهند چه می‌کنند؟ آنها خود را بین بخشش و داوری جدا می‌سازند "زیرا محال است برای آنانی که یک بار منور گشتند... نگاهی بیندازیم "زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطای سماوی را چشیدند و... و لذت کلام نیکوی خدا و قوآت آینده را چشیدند، اگر بیفتند محال است که ایشان را برای توبه تازه سازند." ۶۴

۲۴۵. شما پرزبتری‌ها، متدیست‌ها، باپتیست‌ها، لوتری‌ها و این پرسنل تاجران انجیل تام می‌گویید: "آنها داخل می‌شوند." آنها از پیغام فاصله می‌گیرند، کلیسای شما چنین خواهد کرد. مطمئناً افرادی در آنجا خواهند بود، ولی کلیسا خیر. شما مجبورید از آن کلیسا خارج شوید، تا آن را بدست آورید. می‌بینید؟ درست است.

۲۴۶. ولی اگر فکر می‌کنید که کلیسای پرزبتری می‌خواهد روح‌القدس را دریافت کند و همه‌ی آنها مدارک خود را کنار می‌گذارند، فکرش را هم نکنید. آیا فکر می‌کنید که شما متدیست‌ها می‌خواهید این کار را بکنید؟ هرگز این کار را نخواهید کرد. اگر فکر می‌کنید که هریک از شما تثلیثیون نام مسیح را دریافت کرده و در آن نام تعمد می‌گیرید... هرگز این کار را نمی‌کنید. کلیساها این کار را نخواهند کرد، ولی افرادی آمده و این کار را خواهند کرد. درست است و این نشانه‌ی آمدن اوست. ولی برای کلیساهایی که حقیقت را دیده‌اند و آن را در شوراها‌ی خویش رد نموده‌اند «محال است».

۲۴۷. آن وقت آنها گناهکار مصلوب نمودن عیسی مسیح هستند و من آنها را طبق کلام خدا متهم می‌کنم که خدا را... "برادر برانهام، چطور آنها را متهم می‌کنید؟" من آنها را

متهم می‌کنم که، خدا را که در این ایام آخر خود را به وضوح در کلام خویش شناسانده و آشکار گردیده است به سردی رد نموده‌اند و شما با بی‌حرمتی به روح‌القدس گناهکار مصلوب نمودن عیسی مسیح هستید. درست است.

۲۴۸. دوباره شما را به عبرانیان باب ۱۰ می‌برم، جایی که به ما می‌گوید این نه تنها «محال» است بلکه هرگز نمی‌توانید انجام دهید. این شما را بطور ابدی از خدا جدا می‌سازد. شما دیگر هرگز نمی‌توانید به حضور خدا بیایید، درحالی که روح‌القدس را رد نموده و آن را تمسخر می‌نمایید.

۲۴۹. حال ببینید "کلام را چشیده‌اند." می‌بینید، ایمانداران محدود!

"اوه، یعنی منظور شما این است که آن افراد ایماندار نبودند؟"

۲۵۰. آنها ایماندار بودند، یا ادعای ایماندار بودن می‌کردند، ولی وقتی به کلام می‌رسد... آنها اسرائیل بودند. زیر پوشش خون از مصر خارج شده بودند. تحت آیات موسی خارج گشته بودند. آنها عمل آن آیات را دیده بودند.

خدا گفته بود: "من شما را به آن سو می‌برم."

۲۵۱. و هنگامی که این درست برطبق وعده‌ی خدا و به آن صورتی که باید باشد انجام می‌شود، آنها چه می‌گویند؟ "اوه ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم." متوجه می‌شوید؟

۲۵۲. و آن مردان با مقداری انگور و چیزهای دیگر بازگشتند تا اثبات کنند که زمین نیکوست و کلام خدا درست است. خدا گفته بود: "این را به شما می‌دهم."

۲۵۳. ولی شرایط آنجا، اوه خدای من! "ما در برابر آنها مانند ملخ هستیم. نمی‌توانیم این

کار را بکنیم. مهم نیست که چه باشد." ۶۵

۲۵۴. چند سال پیش، هنگامی که این خیمه برپا شده بود، یک نفر به اینجا آمد و در حین صحبت به من گفت: "بیلی! با پیغام‌هایی مانند این، باید یکی از همین روزها برای این چهار ستون موعظه کنی."

۲۵۵. من در جواب گفتم: "من برای این چهارستون موعظه خواهم کرد، زیرا خدا قادر است تا از آنها برای ابراهیم فرزندان بسازد." بله آقا! این حقیقت است. گفتم: "اگر چیزی دارید که می‌تواند این را نقض کند، خوب آن را ارائه کنید." وقتی به جایی می‌رسیم که باید آن را نشان دهیم، همه چیز متفاوت است. بله، این چیزی است که تفاوت ایجاد می‌کند. بسیار خوب.

۲۵۶. بله، آنجا با آیین‌هایشان او را مجدداً مصلوب می‌کنند. حال عبرانیان باب ۶ و همین‌طور ادامه می‌دهیم. حال می‌توانیم همین‌طور به خواندن ادامه بدهیم. این خیلی وقت می‌برد. بخش‌های مختلفی را علامت زده‌ام تا با هم بخوانیم. عبرانیان باب ۶ "محال است آنانی که یک بار منور گشته و شریک روح‌القدس گشته‌اند..." خیلی وقت ندارم تا پیش برویم چون یک بخش دیگر را مدنظر دارم تا با هم بخوانیم. پس به این توجه کنید "پسر خدا را دوباره برای خویش مصلوب می‌سازند." چه می‌کنند؟ چه؟ با چشیدن آن و دانستن اینکه این حقیقت است، روی خود را برگردانده و آن را انکار می‌نمایند. این چه می‌کند؟ "محال است..."

۲۵۷. و این کاری است که این کشور انجام داده است. این کاری است که این قوم انجام داده است. آنها این را رد نموده و پیغام را برای خویش مصلوب کرده‌اند. آنها با عیسی چگونه رفتار کردند؟ او را شرمسار نموده برهنه‌اش ساختند، رئیس حیات را بر

صلیب میخکوب کردند! و این همان کاری است که آنها امروز با آیین‌هایشان انجام داده‌اند. آنها همین کار را انجام داده‌اند. آنها این امور را برهنه ساخته‌اند، یعنی نیکویی انجیل را با قرار دادن در جایی دیگر، برهنه ساخته و او را بر صلیب آویخته‌اند. اوه خدای من! چرا؟

۲۵۸. «آنجا آنها، آنجا آنها او را مصلوب نمودند.» و اکنون می‌رسیم به آخرین سوال و آخرین کلمه «او را»، این پربهاترین شخص، چرا این کار را کردند؟ آنها او را نمی‌شناختند. امروز چرا این کار را می‌کنند؟ چون نمی‌دانند که این حقیقت است. آنها نسبت به این کور و گنگ هستند. این را نمی‌شناسند. دلیلش این است، آیین‌ها و سنت‌ها آنها را از کلام خدا دور ساخته است.

۲۵۹. حال شما که اینجا هستید، به دقت توجه کنید. می‌بینید؟ می‌دانم که هوا گرم است. من هم احساس گرما می‌کنم.

۲۶۰. ولی برادر! این کلام حیات است، اگر آن را حفظ کنید. این چیزی نیست که ما در موردش بگوییم، شاید در آینده رخ دهد. بلکه چیزی است که اکنون با ما و در حال رخ دادن است. نه چیزی در آینده، بلکه در حال حاضر. شهادت ما این نیست که، ما می‌دانیم او چه کرده است، یا می‌دانیم که او چه خواهد کرد. بلکه می‌گوییم او اکنون در حال انجام چه کاری است. می‌بینید؟ این زمان ماست.

۲۶۱. شاید ما زنده نباشیم تا رپوده شدن را ببینیم. شاید من و یا شما امروز بمیریم. نمی‌دانم، ولی رپوده شدن در راه است. چیزی که هست، نگران نباشید. هنگامی که رپوده شدن رخ دهد ما آنجا خواهیم بود. نگران نباشید. به همراه تمام آن کسانی که در گذشته به آن ایمان داشته و در انتظار آن بوده‌اند. آنها در نور زمان خود گام برداشته بودند.

۲۶۲. این هم از نور «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالابد همان است.» آیین‌های

خویش را رها نموده و به آن ایمان بیاورید. این حقیقت است. کلام حقیقت است. عیسی گفت: "کلام من روح و راستی است." چطور می‌خواهید حیات را دریافت کنید درحالی‌که آن را رد می‌کنید؟ چطور می‌خواهیم یک دگم را که مرگ است بپذیریم و کلام حیات را هم بپذیریم؟ کلام را رها می‌کنید تا مرگ را برگزینید. چگونه می‌خواهید هر دو را همزمان برگزینید؟ نمی‌توانید. "هر کلام انسان دروغ و هر دگم یک دروغ است." و کلام خداست که راستی است.

۲۶۳. می‌دانم که این نوار به تمام دنیا می‌رود. همه را به چالش می‌طلبم، همه را... هر فرد، هر اسقف و... می‌تواند به جلسات من و یا در حضور این جماعت بیاید و یک جا را در عهد جدید نشان دهد که حتی یک نفر به نام «پدر، پسر و روح‌القدس» تعمیم گرفته باشد. و من جایی را به شما نشان می‌دهم که همه به نام عیسی مسیح تعمیم گرفته بودند و آنانی که تعمیمی متفاوت داشتند، باید بیایند و دوباره تعمیم بگیرند تا روح‌القدس را دریافت کنند.

۲۶۴. در این مورد چه کاری می‌خواهید انجام دهید؟ می‌خواهید آنجا و در تعالیم و آیین‌های خویش باقی بمانید؟ می‌خواهید آنجا در دگم‌های خود بمانید و بمیرید؟ شما گناهکارید! شما با دستان گناه آلود، رئیس حیات، کلام حیات را گرفته و آن را برای قوم مصلوب نمودید.

۲۶۵. حال آنها چه کردند؟ آنها این را نمی‌دانستند. امروز انسان در جهالت گام برمی‌دارد. آنها نمی‌دانند که این حقیقت است. آنها تصور می‌کنند که این یک ایسم است. آنها به اندازه‌ی کافی به عمق‌ها نمی‌روند تا به روح مکاشفه وارد شوند. آنها دعای کافی ندارند. آنها خدا را نمی‌خواهند.

۲۶۶. فقط از روی بی‌علاقگی می‌گویند: "اوه! خوب ایمان دارم که خدایی وجود دارد.

حتماً. "شریر هم به همین ایمان دارد و برخورد می‌لرزد. مردم فقط ایمان دارند، همین و بس. ولی شریر از دانستن اینکه داوری او در راه است برخورد می‌لرزد. و مردم به این ایمان دارند و اصلاً توجهی به این نمی‌کنند که داوری او در راه است.

۲۶۷. گناهکار مصلوب نمودن او! قطعاً. من این نسل را متهّم می‌کنم. توسط همان کلامی که در ابتدا آنها را گناهکار دانست، آنها را گناهکار می‌دانم. درست است. عیسی گفت: "چه کسی می‌تواند مرا محکوم کند؟" او کلمه بود که جسم گردیده بود و امروز همان کلام، جسم شده است.

۲۶۸. در اعمال رسولان، پطرس در اعلام جرم خویش گفت... با هم این را بخوانیم. پطرس هنگامی که دید این واقع شده بود، آنچه آنها انجام داده بودند، روح... پطرس در حال دفاع از مسیح از آنچه آنها انجام داده بودند، بود. من از آن چیزی که اناجیل هستند، دفاع می‌کنم. من... پطرس آنها را بخاطر کشتن یک انسان، مسیح، که کلمه بود، متهّم می‌کرد. من این نسل را بخاطر تلاش برای کشتن کلام، که در انسان‌ها آشکار گشته است، متهّم می‌کنم. به آنچه که پطرس به قوم گفت، گوش کنید. اعمال باب ۲ از آیه ۲۲ می‌خوانم:

"ای مردان اسرائیلی این سخنان را بشنوید، عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوّت و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنانکه خود می‌دانید."

۲۶۹. او! تصوّرش را بکنید که آنها چه احساسی داشتند! به آن گوش کنید.

"ای مردان اسرائیلی (ای کلیسایان، شما مقدّسین، شما کشیش‌ها، شما که قرار است مردان خدا باشید) این سخنان را بشنوید، عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت..."

۲۷۰. حال من به شما روحانیون و شما مردم می‌گویم، عیسی ناصری، روح‌القدس، او بصورت روح‌القدس در اینجاست. حیاتی که در او بود. او اینجاست و از طریق قوم کار می‌کند و خود را از طریق آیات و عجایبی که به عمل می‌آورد اعلان می‌نماید. آنها اینجا، در بین این دیوارها از نظر علمی شناسایی شده‌اند. افرادی اینجا نشسته‌اند که مرده بودند ولی امروز زنده هستند، سرطانی‌هایی که امروز سلامت هستند. کورانی که امروز بی‌نا هستند و فلج‌هایی که امروز راه می‌روند. او عیسی ناصری است.

"این شخص چون برحسب اراده مستحکم و پیشدانی خدا تسلیم شد، شما به دست گناهکاران بر صلیب کشیده، کشتید." ^{۶۶}

۲۷۱. آیا این، آیا این اعلام جرم است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] او چه چیزی را متهّم می‌کند؟ آن شورای سنهدرین را.

۲۷۲. و من امروز صبح، شورای کلیساها را متهّم می‌نمایم. من پنطیکاستی‌ها را متهّم می‌نمایم، باپتیست‌ها و یا هر فرقه‌ای که در دنیا وجود دارد. شما با طمعی گناهکارانه و خودخواهانه کلام خدا را گرفته و آن را برای قوم مصلوب نموده و به آن بی‌حرمتی نمودید. خدا در بین ما به پا خواسته تا مبرهن سازد که «او دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است.» من برعلیه این نسل اعلام جرم می‌کنم!

۲۷۳. خدا زنده بودن خویش را اثبات نموده است، او اثبات کرده است که این کلام اوست. شما به جز مستی دگم و آیین به چه چیزی دست یافتید! کجا می‌توانید خدای زنده را نشان دهید؟ چون شما کلام حیات را که می‌توانست این را به شما بدهد، رد نموده‌اید. بله آقا! او! ما در چه زمانی زندگی می‌کنیم.

پطرس گفت: "بدست گناهکاران بر صلیب کشیده، کشتید. که خدا درهای موت را

گسسته، او را بر خیزانید، زیرا محال بود که موت او را در بند نگاه دارد." ۶۷

۲۷۴. و هنوز از طریق آیین‌ها، تشکیلات، فرقه‌ها و صورت دینداریتان صحبت می‌کنید. صورت دینداری شما، شما قوت قیام او را انکار نموده‌اید.

۲۷۵. اما اکنون ساعت رسیده است. اکنون زمان آخر است. زمانی که خدا بر طبق ملاکی باب ۴ وعده داده بود، که در ایام آخر کسی را بلند خواهد نمود، "که قلب قوم را به اصل مبارک و پنطیکاستی پدران باز خواهد گرداند." و شما نمی‌توانید منکر آن باشید و با آن مقاومت کنید.

۲۷۶. و اکنون در حضور خدا بر علیه شما اعلام جرم می‌کنم، که شما گناهکارید، که با دستان فرقه‌ای، نابکار و خودخواه خویش کلام خدا را در برابر قوم مصلوب نموده‌اید. شما را گناهکار خوانده و می‌گویم که آماده‌ی داوری باشید. بله آقا!

۲۷۷. شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پطرس می‌کرد. او آن نسل را دعوت به توبه نمود. من نیز این نسل را به توبه دعوت می‌کنم، توبه در برابر خدا و بازگشت به حقیقت راستین کلام؛ بازگشت به ایمان پدرانمان، بازگشت به روح القدس. زیرا خدا نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

۲۷۸. وقتی خدا گفته است «این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» باید تا ابدیت با آن کلام بماند. این کلام اوست.

۲۷۹. می‌گویید: "بایکدیگر دست بدهیم. مشارکت کنیم." یا چیزی شبیه این. براساس آیین یا تفکری که هر انسان، هر دائم‌الخمر یا هر بی‌ایمانی قادر است آن را انجام دهد، هر فاحشه و یا هر مقلدی قادر به انجام آن است. "مشارکت کن و ظاهری اینچنین داشته باش..."

۲۸۰. ولی عیسی گفت که این نشانه خواهد بود که: "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود." نه اینکه شاید باشد. "در تمام نسل‌ها، این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند، به زبان‌های تازه سخن گویند، مارها را بردارند، زهر قاتل بخورند و بدیشان آسیبی نرسانند، دست بر بیماران گذارند و شفا خواهند یافت." "بیماران را شفا دهید، ابرصان را طاهر سازید، مردگان را زنده کنید. دیوها را بیرون نمایید. مفت یافته‌اید، مفت بدهید."^{۶۸}

۲۸۱. همه‌ی این برنامه‌های پولسازی امروز، و اموری که به آن مرتبط هستند، تعجبی نیست که از داوری پر هستند. بله آقا! اوه خدای من!

۲۸۲. حال نگاه کنید. بله آقا! دعوت به توبه و اعلام جرم من.

۲۸۳. کلیسا جلجتای جدید است. این مکان به اصطلاح مقدّس، منبرهای بزرگ، مذبح‌های کاتولیکی، متدیست، باپتیست، پرزبیتری، لوتری، پنطیکاستی و این اماکن به اصطلاح مقدّس، جایی است که او بدترین زخم‌ها را دریافت می‌کند. یک جلجتای تازه! این از کجا آمده است؟ در اماکن مقدّس، در کلیسا.

۲۸۴. او در کجا مصلوب گشته است؟ از جانب شبانان. شما ریاکاران، خود این را بهتر می‌دانید. عصبانی نیستم ولی درون من چیزی به جوش می‌آید. خدا کاملاً در میان شما شناسانده شده است.

۲۸۵. کجا نیزه بر پهلوی او خورد؟ در جلجتا. امروز از کجا نیزه می‌خورد؟ پشت منبر! آنها از کجا آمده بودند؟ از اورشلیم. امروز از کجا می‌آیند؟ از فرقه. آنانی که مدّعی محبّت او هستند، آنان هستند که این کار را کرده‌اند. آنانند که امروز این کار را می‌کنند. دوّمین جلجتای او، جایی که او زخم‌ها و... را برعلیه کلام دریافت می‌کند. این

چیزی است که او را مجروح می‌سازد. او کیست؟ او کلام است. بدترین زخم‌ها و شکاف‌ها از کجا بر او وارد می‌شود؟ منبر مکان‌های مقدّس، درست مثل آن زمان.

۲۸۶. من حق دارم که این نسل را محکوم کنم. من بعنوان خادم انجیل عیسی مسیح، با آیات و نشانه‌ها و اثبات اینکه او خداست، حق این کار را دارم. من حق دارم تا برعلیه این نسل اعلام جرم کنم. زیرا سخت‌ترین نیزه‌ها از پشت منبرها است که به سمت او نشانه رفته شده است، جایی که آنها انتقاد می‌کنند و می‌گویند: "برای گوش کردن به این چیزها نروید. اینها از شریر است." درست در مکانی که قرار بوده، دوستدار او باشند!

۲۸۷. و همان نشانه‌هایی که عیسی گفت باید تحقق یابد. " زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و برنده‌تر است از هر شمشیر دودم و فرورونده تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را و ممیز افکار و نیت‌های قلب است." ^{۶۹} و این از شریر نامیده شده است! از کجا؟ از پشت منبرها، در اماکن مقدّس.

۲۸۸. او! چطور خداوند می‌تواند به پایین نظر کند؟ فقط، فقط با بخشش، از روی فیض. ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم، جز اینکه به سمت داوری گام برداریم. ما همین الآن هم آنجا هستیم.

۲۸۹. فکرش را بکنید، بدترین زخم‌ها از منبر به او وارد می‌شود. آنجا جایی است که جلجلی‌های جدید او در آن است. آنها او را، یعنی کلام را پشت منبرها مصلوب می‌سازند. درست است. چطور، چطور این کار را می‌کنند؟ با صورت دینداری، کاملاً همین‌طور است!

۲۹۰. توسط جماعت، مستهزئین، بر سر او تاج گذارده شده است! او به یک تاج خار

تازه رسیده است، توسط مستهزئین! از جانب منبر بر او زخم وارد شده است و مستهزئین تاج بر سر او گذارده‌اند. معلّمین فرقه‌ها بر ضد کلام او، او را برهنه و محکوم نموده‌اند.

۲۹۱. عیسی می‌گفت: "عبث من را عبادت می‌نمایند."^{۷۰} بیهوده، "هیچ فایده‌ای ندارد." آنها چه کسی را می‌پرستند؟ همان خدا را می‌پرستند. در زمان اوّلین مصلوب نمودن او، همان خدا را می‌پرستیدند و این پرستش، بیهوده است. بیهوده این فرقه‌ها را بنا می‌کنند. به عبث این مدارس دینی را بنا می‌کنند. به عبث این آیین‌ها را دارند. تعالیم احکام انسانی را تعلیم می‌دهند و کلام خدارا انکار می‌نمایند. آنها گناهکار مصلوب نمودن رئیس حیات هستند. تعالیم انسان را بجای کلام او تعلیم می‌دهند. "به عبث من را عبادت می‌نمایند." عریان، زخم خورده و تاج بر سر.

۲۹۲. شما می‌توانید این را در خیابان‌ها ببینید، وقتی به زنانی که موی بلند دارند می‌گویند: "او خارج از مد است. اینطور نیست؟" به یاد داشته باشید که اینها مستهزئین هستند. آن موی بلند تاجی بر سر شماست. خداوند گفت که این جلال شماست. با افتخار آن را بر سر بگذارید. خجل مباشید. او چنین گفته است. مهم نیست که امروز ایزابل‌ها چه می‌گویند. این دغل بازان پشت منبر، مصلوب کنندگان مسیح. مهم نیست که آنها چه می‌گویند. با افتخار آن را بر سر بگذارید. خدا چنین گفته است. آن را حفظ کنید.

۲۹۳. دوباره توسط مستهزئین بر سر او تاج گذارده شده است. تاجی از خار. توسط آیین‌ها، از پشت منبرها بر او زخم وارد شده است.

۲۹۴. یک جلجتای جدید یافته است. جایی که او را بدانجا می‌برند. خوانندگان برهنه‌ی گروه گر، زنانی که لباس‌های کوتاه می‌پوشند، موهای کوتاه دارند، صورت‌های آرایش کرده و تنها بخاطر استعدادهای خویش، مانند فرشتگان در گروه گر می‌خوانند. این

^{۷۰} اشاره به مرقس ۷ : ۷

جلجتای جدید اوست. یک برهنگی مدرن که توسط قانون حمایت می‌شود. مانند سدوم و غموره.

۲۹۵. یک سگ ماده را می‌بینید که در خیابان حرکت می‌کند. در زمان‌های معین، حتی یک سگ نر هم نمی‌تواند که جایی که او هست برود. اما یک اتفاق خاص که بیفتد، هریک از آنها بدنبال او خواهند دوید. برای آن سگ ماده اتفاقی افتاده است. می‌دانید چرا...

۲۹۶. آن چیست که این زنان بخاطر آن لباس‌های خود را از تن بدر کرده و به خیابان‌ها می‌آیند؟ به من نگوید که این همان چیز نیست. این یک معرف است. آنها توسط قانون سدوم حمایت می‌شوند.

۲۹۷. واعظین باید پشت منبر بجای لباس‌های روحانی، از لباس‌های زنانه استفاده کنند. آنجا بایستند، این را نادیده بگیرند و از اینکه برخلاف آن صحبت کنند، شرمسار باشند. زیرا در این صورت فرقه‌شان آنها را کنار خواهد گذاشت. شما کلام خدا که می‌گوید: "متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد."^{۷۱} را برای قوم مصلوب می‌کنید.

۲۹۸. من این امر را محکوم می‌کنم. من این مصلوب نمودن کلام برای قوم خدا را متهم می‌کنم. زنان با موهای کوتاه، لباس‌های کوتاه و آن تاج... که در گروه کُر عضویت دارند.

۲۹۹. یک روز خانمی از من پرسید: "حُب، فکر می‌کنی به کجا خواهی رسید؟"

۳۰۰. گفتم: "اگر خدا بخواهد که من دوجین زن را انتخاب کنم، از ترس خواهم مرد."

۳۰۱. وقتی اینجا می‌ایستید و با دید روحانی به آنها نگاه می‌کنید، پلید و آلوده هستند.

کسانی که سیگار می‌کشند و در خارج از اینجا چنان رفتاری دارند. در یک گروه کُر برهنه ایستاده‌اند، با آن شرایط آواز می‌خوانند و جماعت هم آنها را می‌بیند. آنها خواهند گفت: "حُب، اگر آن زن می‌تواند این کار را بکند، پس من هم می‌توانم." یک زندگی مسیحی، حیاتی است از تقدّس و خلوص، بی‌گناهی!

۳۰۲. من بخاطر ناپاکی و پلیدی، به نام عیسی مسیح بر علیه آنها اعلام جرم می‌کنم. آنها انجیل را به رسوایی آورده‌اند و کسانی که سعی می‌کنند در برابر آن مقاومت کنند را «عقب مانده و متعصّب» می‌نامند و می‌گویند: "این مزخرفات قدیمی شده است." من به نام عیسی مسیح بر علیه آنها اعلام جرم می‌کنم.

۳۰۳. برهنه‌های مدرن در خیابان‌ها، در گروه کُر می‌خوانند، سیگار می‌کشند، جوک‌های آنچنانی تعریف می‌کنند و... و بعد بخاطر اینکه صدای خوبی دارند می‌آیند و در گروه کُر سرود می‌خوانند. شما روشنفکران بیچاره، محرومان روحانی، در زمین خویش مطرود هستید. همان کتاب مقدّسی را می‌خوانید که هر انسانی قادر به خواندن آن است، ولی شما روح خدا را رد نموده‌اید. تا جایی که کتاب مقدّس می‌گوید: "و بدین جهت خدا به ایشان عمل گمراهی می‌فرستد تا دروغ را باور کنند."^{۷۲} حقیقتاً تصوّر می‌کنید که حق با شماست. و کتاب مقدّس می‌گوید که این را باور نموده و به همان دروغی که حقیقت بودن آن را باور نموده‌اید، ملعون می‌شوید.

۳۰۴. بنابراین، توسط کلام خدا بر علیه شما اعلام جرم می‌کنم. شما به قوم تعلیم غلط می‌دهید و اصول و فرامین مسیح، یعنی تقدّس و حیات آسمانی را مصلوب می‌نمایید؛ که یک فرد با آن وضعیّت به خیابان می‌آید و شخصی متفاوت می‌شود.

۳۰۵. واعظین در ملاء عام می‌ایستند و سیگار می‌کشند و چنین حماقت‌هایی را انجام

می‌دهند. زنان عضو در گروه‌های کُر آنها، لباس‌های کوتاه می‌پوشند، موهایشان را کوتاه می‌کنند، صورت خود را آرایش می‌کنند، و رفتارهایی چنین دارند و آن وقت «خواهر فلان و فلان» خوانده می‌شوند. کتاب مقدّس این امر را محکوم می‌کند. به مهمانی‌ها بروید، به کار خود برسید و همچنان یک عضو کلیسا بمانید. شهادت خویش را نگاه دارید و هر طور که دلتان می‌خواهد زندگی کنید.

۳۰۶. تصوّر نکنید که من فقط در مورد پرزبیتی‌ها صحبت می‌کنم. پنطیکاستی‌ها هم مخاطب من هستند. درست است. شما زمانی حقیقت را می‌شناختید. ولی فکر کردید که نمی‌توانید آن را بپذیرید. نمی‌توانستید شبان خود را حمایت کنید. شبان شما نمی‌توانست آن شغل خوب، چند صد دلار درآمد هفتگی و یک کلیسای خوب و بزرگ را که در آن موعظه کند داشته باشد. او باید مانند آنها رفتار نماید. اگر آن را محکوم می‌کرد، تشکیلات او را بیرون می‌انداخت. پس او مجبور است با آن کنار بیاید و آن را بگوید. بنابراین، او حقوق فرزندی خود را به خوراک و سوپ دنیا فروخت است، یعنی به همان پس مانده‌ی عیسو؛ و می‌خواهد به جای آن چه بگیرد؟ هردو به گودال محکومیت سقوط می‌کنند تا محکوم شوند. من بر علیه آنها بعنوان فاحشه‌های انجیل، اعلام جرم می‌کنم.

۳۰۷. مدّتی پیش در اوکلاهما^{۷۳} در یک گروه کُر بودم. یکی از اماکن بزرگ و مشهور، یکی از بالاترین رتبه‌های پنطیکاستی موجود. بطور اتفاقی در اطاق مطالعه‌ی آن برادر بودم، درحالی‌که چهار یا پنج گروه کُر آنجا جمع شده بودند. این یکی از... یکی از بهترین تشکیلات پنطیکاستی است. آنها نمی‌دانستند که من در اطاق آن خادم هستم. من آنجا، آن پایین، جایی‌که این خادم قبل از آمدن به جایگاه مطالعه می‌کند، نشسته بودم.

۳۰۸. آن موش کورهای نر و ماده نیز آنجا بودند. آرایش کرده و حتی یک نفر هم موی بلند نداشت. موی همه‌ی آنها کوتاه شده بود. همه آرایش داشتند و لباس‌های کوتاه و برهنه برتن داشتند. یک موش نر نیز آنجا بود و این‌طور راه می‌رفت. یک مرد دیگر نیز مشغول جمع آوری هدایا بود. او مانند یک گدای نابینا که یک ظرف در دست دارد رفتار می‌کرد و تمام جملات کفرآمیز ممکن را در مورد جمع آوری هدایا بر زبان می‌آورد. آن بیرون ایستاده بود و تلاش می‌کرد که سرود ماشیح را بخواند. اوه خدای من! حتی همین کار را نیز نمی‌توانست به درستی انجام دهد. بفرمایید! این جلجتای جدید اوست.

۳۰۹. شما در مورد یک زن یا یک دختر در آنجا چه فکری می‌کنید؟ اگر بیاید و طوری لباس بپوشد که باید باشد، با موهای بلند و بدون آرایش و چیزهایی مانند آن، او را تمسخر خواهند نمود. اگر او آنجا می‌ایستاد، هنگامی که آنها آنطور رفتار می‌کردند، آن مردم او را تمسخر می‌کردند. بخش منتخب پنطیکاست، و اموری این‌چنین را انجام می‌دهند! و اگر آن زن یا دختر چیزی در این مورد بگوید، او را از آن گروه گُر کنار می‌گذارند.

۳۱۰. بگذار یک واعظ پشت منبر بایستد و در این مورد چیزی بگوید، او را از تشکیلات بیرون خواهند انداخت. شما دوباره پسر خدا را مصلوب می‌نمایید و او را به رسوایی می‌کشانید. انجیل او را که مدعی موعظه‌ی آن هستید، مصلوب می‌سازید. من بر علیه این نسل منکر مسیح، توسط کلام خدا و قوت این ایام آخر که اثبات می‌کند او هنوز زنده است، اعلام جرم می‌کنم. آنها برضد کلام صریح و اثبات شده‌ی خدا هستند. تشکیلات آنها نمی‌تواند متحمل این باشد.

۳۱۱. کلیساها و فرقه‌های بزرگ، جلجتای جدید او هستند. دوباره تکرار می‌کنم، این برهنگی مدرن آنها، گروه‌های گُر آنهاست.

۳۱۲. کاهنان اعظم هریک از این فرقه‌ها مانند کاهن اعظم آن زمان فریاد می‌زنند: "اکنون نزول کن و به ما یک معجزه نشان بده." ^{۷۴} آن مصلوب ساختن اول بود.

۳۱۳. امروز هم همان است. من آنها را دیده‌ام، با آنها برخورد داشته‌ام که می‌گفتند: "خوب حالا، تو مردگان را زنده می‌کنی؟ چرا به آنجا نمی‌روی؟ همسر تو در قبر است، تو آنجا یک بچه داری."

۳۱۴. آنها به عیسی می‌گفتند: "شنیده‌ایم که تو مردگان را زنده ساخته‌ای، ما یک گورستان پر از آنها داریم. بیا و آنها را زنده کن." او، نادانی، میوه‌اش نادانی خواهد بود. می‌بینید؟

۳۱۵. کلیساهای بزرگ، گروه‌های بزرگ کر، کاهنان اعظم بزرگ این دوره، "پایین بیا و معجزه ای انجام بده که فرقه‌ی ما قادر به انجام آن نباشد."

۳۱۶. مدتی پیش بعد از یک برنامه‌ی رادیویی که من در جونزبورو در آرکانزاس ^{۷۵} داشتم و در مورد زنی که شفا گرفته بود صحبت می‌کردم، یک مرد اظهار نظری انجام داده بود. این آدم به یک فرقه‌ی مشخص از کلیسا وابسته بود، او گفته بود: "هر انسانی را که یک معجزه انجام بدهد و به من نشان دهد، به رقابت می‌طلبم."

۳۱۷. من رفتم و یک دکتر را آوردم و مردی که از سرطان شفا یافته بود. رفتم و زنی را آوردم که بیست سال روی ویلچیر نشسته بود و اکنون شفا یافته بود. اینها را بردم و گفتم: "حالا پول را می‌خواهم. هزار دلار را."

۳۱۸. او گفت: "حُب، اوممم... اوممم... پول اینجا نیست. در دفتر مرکزی ما در تگزاس است."

⁷⁴ اشاره به بر روی صلیب رفتن عیسی مرقس باب ۱۵
⁷⁵ Arcanzas - Jonesboro

۳۱۹. گفتم: "بسیار خوب، می‌رویم و پول را از آنجا می‌گیریم." گفتم: "شما قبول کنید. فردا به آنجا می‌رویم." می‌بینید؟ گفت: "برایتان پست خواهیم کرد..." گفتم: "این از دکتر که می‌گوید این افراد سرطان داشته‌اند، و این هم لیست داروها و عکس‌های پزشکی آنها. این زن را نیز می‌بینی که تمام این محله می‌دانند او در طی بیست سال گذشته روی ویلچر نشسته بود و اکنون شفا یافته و در حال راه رفتن است. پزشکان یکی بعد از دیگری او را تحت درمان داشته‌اند و او اکنون زنده و سر حال اینجا ایستاده است. شما گفته بودید که هزار دلار می‌دهید، من آن را می‌خواهم. می‌خواهم آن را صرف امور بشارتی کنم." می‌بینید؟ می‌بینید؟

او گفت: "مبلغ در واکو تگزاس است."

گفتم: "اشکالی ندارد. فردا به آنجا می‌رویم."

۳۲۰. او گفت: "یک دقیقه صبر کن. بگذار چیزی بگویم. من یک دختر بچه را با خود می‌آورم. بعد با تیغ بازوی او را می‌برم. تو در برابر برادران، او را شفا بده و بعد آنها پول را به تو خواهند داد."

گفتم: "ای شیریر!"

۳۲۱. "اگر تو پسر خدا هستی از این صلیب پایین بیا."، "بگو چه کسی تو را زد؟" درحالی که چشمان او را بسته بودند او را می‌زدند و می‌گفتند: "اگر نبی هستی بگو چه کسی...". "اگر پسر خدا هستی از صلیب پایین بیا."^{۷۶}

۳۲۲. کورانی که راهنمایان کوران دیگر هستند. انسانی که اعمالی شبیه این را انجام می‌دهد و یا چنین اظهار نظرهایی می‌کند. قطعاً.

^{۷۶} اشاره به بر روی صلیب رفتن عیسی مرقس باب ۱۵

۳۲۳. همان فریاد آشنای قدیمی: "بگذار معجزه کردن تو را ببینیم. ای آقا! می‌خواهیم معجزه‌ی تو را ببینیم." درحالی‌که هرروز، این امر در حال رخ دادن بود. چنانکه خدا انجام آن را هدایت می‌نمود. لیکن آنها حاضر نبودند، اگر هم بودند آن را «بعلزبول» می‌خواندند. می‌بینید؟ "ای استاد، تمایل داریم چنانکه ما می‌خواهیم آن را انجام دهی." همین است. "به جایی که ما می‌خواهیم برو و کاری را که ما می‌خواهیم انجام بده." او به! آنها هیچ ارتباطی با او ندارند. خیر قربان! بهمین دلیل بود که می‌بایست او را از بین خود دور می‌کردند. به آقا! آنها امروز هم تلاش می‌کنند تا همان کار را انجام دهند. نهایتاً به واسطه‌ی اتحادیه‌ی کلیساها به آن خواهند رسید. می‌بینید؟ همه‌ی آنها یک جا جمع می‌شوند. همان فریاد آشنای قدیمی.

۳۲۴. دوباره در اینجا می‌بینیم، مذهبی‌ترین مکان، بهترین الهیدانان، دوباره برعلیه او دعوت به خروج می‌کنند. ندای خروج سر می‌دهند. همان بهترین الهیدانان که می‌بایست تفاوت را بدانند. همان بلند مرتبه‌ترین کلیساها و الهیدانان تعلیم یافته، او را از بین خود اخراج می‌کنند. آنها خواهان این نیستند.

می‌گویید: "اینطور نیست، برادر برانهام!"

۳۲۵. پس اینجا نبودید که دوره‌های کلیسا را ببینید و یا موعظه‌ی آن را بشنوید. شما اینجا نبودید. هنگامی که عصر لائودیکیه، تنها جایی بود که مسیح خارج از کلیسا بود. او بیرون بود و بر در می‌کوبید، تلاش می‌کرد تا به کلیسا وارد شود. آنها او را بیرون انداختند، چون هیچ استفاده‌ای در او نیافتند. آنها مجدداً او را مصلوب نمودند. آمین! تا کجا می‌توانیم پیش برویم؟

۳۲۶. اگر درحال یادداشت کردن هستید، آنچه را که نبی در دوم تیموتائوس باب ۳ برای ما پیشگویی نمود را بخاطر داشته باشید. فرصت نشد که آن را بخوانیم. ولی گفته شده که:

"اما این را بدان که در ایام آخر زمان‌های سخت پدید خواهد آمد، زیرا که مردمان، خودپرست خواهند بود و طمّاع و لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک

و بی الفت و کینه دل و غیبت گو و ناپرهیز و بی مروّت و متنقّر از نیکویی و خیانت کار و تند مزاج و مغرور که عشرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند؛ که صورت دینداری دارند، لیکن قوّت آن را انکار می‌کنند. از ایشان اعراض نما. زیرا که از اینها هستند آنانی که به حيله داخل خانه‌ها گشته، زنان کم عقل را اسیر می‌کنند که بار گناهان را می‌کشند و به انواع شهوات ربوده می‌شوند. از مکانی به مکانی دیگر، آنها را به اسارت هدایت می‌کنند. همین طور است."

۳۲۷. او گفت: "در ایام آخر از ایشان اعراض نما." مطیع نبی باشیم. اکنون کلیسا را مخاطب قرار می‌دهم. در این ایام آخر از ایشان اعراض نمایید. بله قربان! از آن فاصله بگیری.

۳۲۸. آنها باید عیسی را در ایام او می‌شناختند. باید می‌شناختند. اکنون نیز باید بشناسند، ولی نمی‌شناسند. درست همانطور که معلمین یهودی ایام او، باید او را از طریق زمان او می‌شناختند، امروز هم چنین است. او کلام بود و اثبات کرده بود، که کلام است. او امروز هم اثبات نموده است که کلام است. اثبات نموده است که کلام زمان است، نور زمان. در آن وقت باید او را می‌شناختند و امروز هم باید این را بدانند.

۳۲۹. آنها او را در آن زمان مصلوب نمودند و اکنون هم او را مصلوب می‌نمایند. بر این مبنی آنها را محکوم می‌نمایم. درست است. این در درون من تکرار می‌شود: "آنها را محکوم کن. زیرا خدا می‌خواهد آنها را وادار کند که بهای آن را بپردازند."

۳۳۰. یهودیان آن زمان. و خدا در ایامی که بر زمین بود گفت: "ای اورشلیم، ای اورشلیم، قاتل انبیا و سنگسار کننده‌ی مرسلان خود، چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل

مرغی که جوجه‌های خود را زیر بال خود جمع می‌کند و نخواستید.^{۷۷}

۳۳۱. خدا در این ایام آخر خواسته است که قوم خود را دور هم جمع کند، اما شما نخواستید. شما خواستار آیین‌های خویش بودید. پس اکنون به ویرانی تسلیم شده‌اید. این چیزی است که اورشلیم دریافت نمود، از بین رفت، در آتش سوخت و... و این دقیقاً چیزی است که یکی از این روزها برای تمام این امور بزرگ رخ می‌دهد. فرقه‌ها و آیین‌های بزرگ شما فنا و نابود خواهد شد. لیکن کلام خدا زنده و ابدی خواهد بود. می‌بینید؟

۳۳۲. عمیق‌ترین زخم‌های او از جانب به اصطلاح دوستان او به وی وارد می‌شود. فکرش را بکنید. صبر کنید. ای خادمین! فکرش را بکنید. او از چه جانبی مجروح شد؟ از جانب به اصطلاح دوستان. همانطور که قبلاً بود، اکنون نیز چنین است. فکرش را بکنید. او در جلجتا در محاصره‌ی وحشیان و بربرها نبود. بلکه خادمینی که مدعی محبت او بودند، او را احاطه کرده بود. و امروز هنگامی که انجیل کاملاً آشکار و اثبات شده است، وقتی که نشانه‌های عظیم قیامت او در میان ما اثبات شده است، این رهگذران خیابان نیستند که به شما حمله می‌کنند. بلکه این به اصطلاح خادمین هستند که این کار را انجام می‌دهند.

۳۳۳. امروز کسانی او را احاطه نموده‌اند که قرار بوده او را محبت نمایند. "ما اجازه نمی‌دهیم که این مرد بر ما تسلط یابد. او را حمایت نخواهیم نمود. ما در این مورد این شهر هیچ همکاری نخواهیم داشت. این چیزی نیست به جز... این شریر است." کوران راهنمای کوران گشته‌اند، بدون اینکه کلام خدا را بشناسند. فکرش را بکنید. امروز همانطور است که در آن زمان بود. بله، امروز هم مثل آن زمان است. فکرش را بکنید!

۳۳۴. به قدرت او برای شفا و آزاد سازی مردان و زنان از محبت این جهان حاضر، از

موهای کوتاه شده، ایزابل‌های جدید با صورت‌های آرایش شده، که خود را مسیحی می‌خوانند و چنین حیاتی را به یاد می‌آورند، سیگار می‌کشند و جوک‌های آنچنانی تعریف می‌کنند، چنین افتضاح‌هایی را به بار می‌آورند و بعد در جلسات بشارتی حاضر می‌شوند. با آن وضعیّت به خیابان‌ها می‌روند و در انظار سایر زنان خود را مسیحی می‌خوانند. داستان آن برده‌ای که می‌دانست پسر یک پادشاه است، را به یاد دارید. ما باید چگونه باشیم؟ مردان و زنان و انکار...

۳۳۵. این روحانیون، این منبرها، یعنی جایی که او از آنها زخم می‌خورد. با آن نوع حیات و فسادی که آنها در میان قوم دارند، جایی که او را زخم می‌زنند. آنها قدرتی را که قادر است، آنها را از آن آزاد سازد، انکار می‌کنند. درحالی‌که این برخلاف کلام است که زنان موهای خود را کوتاه کنند، صورت خود را آرایش کنند و آن لباس‌های کوتاه را بپوشند. این برخلاف کلام خداست، ولی آنها بر آن صحّه می‌گذارند و یک جلجتای دیگر می‌سازند. از کدام سمت؟ خیابان‌ها؟ مشروب فروشی‌ها؟ خیر، خیر، از پشت منبرها. بله از پشت منبرها.

۳۳۶. و باز دوباره، فریاد چیست؟ "او خود را خدا می‌خواند." آنها الوهیت او را انکار می‌کنند. تلاش می‌کنند که او را تگّه تگّه نموده و از آن سه یا چار خدا بسازند. درحالی‌که او خدا بوده، هست و همیشه نیز خدا خواهد بود. او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است. وقتی با آنها در مورد یک خدای واحد صحبت می‌کنی به تو می‌خندند و می‌گویند: "ما به تثلیث اقدس ایمان داریم."

۳۳۷. من به یک خدای قدّوس ایمان دارم. بله آقا! به قدرت او برای شفا، به قوّت او برای آزاد کردن این قوم از محبّت این دنیا و آزاد ساختن آنها، مانند آنچه برای مریم مجدلیّه انجام داد. یادتان باشد، او نیز یک زن با آرایش و... بود، درست مانند ایزابل. او هفت دیو در خود داشت. او نیز برهنه و عریان بود.

۳۳۸. درست مانند زنان مدرن و پیشرفته‌ی امروز، هر جا که دلتان می‌خواهد بروید و ببینید. اگر باورتان نمی‌شود که امروزه مردم، زنان برهنه را مانند معابد سجده می‌کنند، به خیابان‌ها بروید و خودتان این را مشاهده کنید. درست در وضعیتی است که در دوران سدوم بود. اگر باورتان نمی‌شود بیرون را نگاه کنید. هر جا که می‌خواهید بروید و ببینید. یک روزنامه را باز کنید. یک مجله را باز کنید. بیلوردها را ببینید، به چه چیزی می‌رسید؟ به یاد داشته باشید آنچه را که گفته شده است: "پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکو نظرند و از هر کدام که خواستند زنان برای خویش می‌گرفتند." ^{۷۸} به ننگ و رسوایی موجود در انگلستان نگاه کنید. وضعیتی اینجا را ببینید. همه چیز را ببینید. شده است محل روسپی‌گری.

۳۳۹. چرا اینگونه است؟ چرا روسیه کمونیسم شد؟ بدلیل ابتذال و پلیدی، بخاطر کلیسای کاتولیک، و دقیقاً بهمین دلیل است که این شور تسلیم کمونیسم و اتحادیه‌ی کلیساها شده است و خود را با کلیسای کاتولیک پیوند زده است. که کمونیسم و کاتولیکسیم با یکدیگر متحد خواهند شد. می‌دانید، و اکنون در حال انجام آن هستند. چرا؟ چون آنها انجیلی را که آنها را جدا می‌سازد و آنها را قومی متفاوت می‌سازد را رد نموده‌اند... دقیقاً به همین دلیل است.

۳۴۰. خادمین هم پشت منبر بخاطر یک سهم غذا، یک جایگاه اجتماعی و... تسلیم این امر شده‌اند. تسلیم آن جایگاه و آیین و می‌گویند: "من به فلان و فلان وابسته هستم." تحصیلات را جایگزین کلام خدا می‌کنن؛ کلامی که آنها را از این جنون آزاد می‌سازد، مثل مریم مجدلیه.

۳۴۱. همان قوتی که می‌تواند آن برهنه را از خیابان‌ها برگیرد، او را وادار سازد تا لباس برتن کند و مثل یک خانم رفتار کند و از او یک مسیحی بسازد. آنها آن قدرت را

محکوم نموده و مردی را که دارای آن قدرت بود، در جلجتا مصلوب نمودند.

۳۴۲. و امروز، همان انجیل و روح القدس که یک برهنه را از خیابان‌ها برخواهد گرفت و او را وادار خواهد نمود که مانند یک خانم لباس بپوشد و مانند یک مسیحی رفتار کند را «تعصب و عقب ماندگی» می‌خوانند. آنها نمی‌خواهند که این با جماعت آنها ادغام و باعث تحریک آنها شود، چون سایر زنان آن‌گونه هستند. آنها چه می‌کنند؟ آنها این را بیرون خواهند انداخت، درست مانند آن زمان. و اکنون آنها همان کلام را مصلوب می‌سازند و می‌گویند که این مربوط به یک دوره‌ی دیگر است. من آنها را دوباره محکوم می‌کنم. بله قربان! درست به همان صورتی که در آن زمان محکوم بودند.

۳۴۳. آیتی که آن لژیون را واداشت تا لباس برتن کند، به یاد داشته باشید. کسی که لباس خود را در می‌آورد، دیوانه است. می‌بینید؟ یک زن چطور؟ لژیون دیوانه بود. او لباس‌های خود را در آورده بود. خدا قدرت او را گرفت و او را وادار ساخت تا لباس برتن کند. او در صحت عقل خویش لباس برتن داشت و مقابل پاهای عیسی نشسته بود.

۳۴۴. به قدرتی که بارتیمائوس پیر را درست در میان آیین‌های آنها بینا نمود، نگاه کنید. او هنگامی روی زمین بود که بی‌ایمانی درست به عظمت امروز بود، ولی این باعث توقّف او نشد. او ادامه داد. او از آنها خجل نبود و با ایشان رودربایستی نداشت. به آنها گفت: "شما از پدر خود، شیطان هستید." او همه چیز را محکوم نمود.

۳۴۵. قدرتی که توانست ایلعازر را از قبر برخیزاند و پسر بیوه زن نائینی را به او برگرداند! او خداوند! قدرتی که توانست آن کارها را انجام دهد، توانست اموری را پیشگویی کند که رخ دادند. "الاغی را با کره‌اش بسته خواهید یافت..."^{۷۹} و تمام چیزهایی که او پیشگویی نمود. همان مردی که دارای آن قوت بود. "از او فاصله

بگیرید. اجازه نمی‌دهیم به قوم ما داخل شود، او تمام تعالیم ما را آلوده می‌سازد." و آنها او را مصلوب نمودند.

۳۴۶. امروز هم همان کار انجام می‌شود. "از روح القدس فاصله بگیرید." آنها نمی‌توانند که هیچ ارتباطی با این داشته باشند. "این ما را محکوم می‌کند. این کارها را انجام می‌دهد، و چیزهایی را به قوم ما می‌گوید که ما نمی‌خواهیم با جماعت ما قاطی بشود، این برخلاف تعالیم و تشکیلات ماست." دوباره او را مصلوب می‌سازند. اوه خدای من! به پایان وقت نزدیک می‌شویم. توجه کنید.

و باز این را «تعصّب و عقب ماندگی» می‌خوانند.

۳۴۷. آنها او را «عقب مانده» می‌خواندند. می‌گفتند: "او مجنون است." همه می‌دانند که کتاب مقدس می‌گوید فریسیان می‌گفتند: "این مرد سامری است. او مجنون است." حال معنی کلمه‌ی مجنون چیست؟ دیوانه. "این مرد دیوانه است. یک مشت افراد دیوانه دنباله‌رو او هستند. او بعزبول است."

۳۴۸. و باز دوباره آنها همان چیز را می‌گویند: "این یک نوع جادوگری است. این پیش‌گویی است." دوباره او را بر آن صلیب ننگین قرار می‌دهند. چه صلیبی؟ چه ننگی؟ او را که کلام اثبات شده و آشکار شده است، تمسخر نموده و به قوم می‌گویند که این شریر است. چیزهایی می‌سازند و می‌گویند...

۳۴۹. او می‌گفت: "آنها اعمال مقدس خدا را روح ناپاک نامیده‌اند. این بخششی نخواهد داشت."

۳۵۰. کلام او را مسخره می‌کنند و تلاش می‌کنند آن را جعلی و یا تعصّبی جلوه دهند. "به سمت آن نروید و در جلسات آنها حضور پیدا نکنید."

۳۵۱. آنها با انجام این اعمال چه می‌کنند؟ آنها میخ‌های فرقه‌ای خود را برمی‌دارند. درست است. این معلمین عشرت طلب، دنیوی، غیرخدایی، دیوانگان فرقه‌ای، میخ‌های فرقه‌ای خود را برمی‌دارند و پسر خدا را مجدداً از منبرهای خود، با آن مصلوب می‌سازند.

۳۵۲. چرا این کار را می‌کنند؟ آنها تمجید انسان را دوست دارند. یعنی مارکی که کلیسا می‌تواند به آنها بدهد را بیش از کلام خدا دوست دارند. من آنها را محکوم می‌کنم. آنها نمی‌توانند کلام را تأیید کنند، زیرا هم اکنون دنیا را تأیید نموده‌اند. آنها این کار را انجام داده‌اند. ما در دوران ریاکاری زندگی می‌کنیم!

۳۵۳. آیا جلجتا برای خداوند من کافی نیست؟ چرا این کار را انجام می‌دهید؟ شما که می‌بایست دوستدار او باشید، شما که می‌دانید این کلام اوست، شما که می‌توانید مکاشفه ۲۲ را بخوانید که می‌گوید: "هرآنکس که کلامی به آن بیفزاید و از آن کم کند..." چرا این کار را می‌کنید؟ برای او یک جلجتا کافی نیست؟

۳۵۴. من در مقام دفاع از او ایستاده‌ام. من وکیل مدافع او هستم و توسط کلام خدا بر علیه شما اعلام جرم می‌کنم. طریق خویش را تغییر دهید و یا اینکه به جهنم خواهید رفت. فرقه‌های شما فرو خواهد ریخت. من در برابر داور و قاضی، علیه شما، با آن صورت دینداری و ریاکاریتان، اعلام جرم می‌کنم. چرا شما این را... آیا یک جلجتا کافی نیست؟

۳۵۵. چنان که پطرس گفت: "پدران فرقه‌ای شما" پطرس شما را از این طریق متهم نمود. او گفت: "کدامیک از پدران شما این کار را نکرده است؟" استیفان هم همین کار را انجام داد. "بدست گناهکاران، رئیس حیات را مصلوب ساختید." آیا عیسی خود نگفت: "پدران کدامیک از شما قبرهای انبیا را بنا نکرد و شما و مدفن‌های ایشان را

زینت ندادید"؟^{۸۰} پس این امر در تمام اعصار در مورد مردان عادل صدق می‌کرده است.

۳۵۶. من نیز بر علیه این گروه انکار کننده‌ی مسیح، کلیسا رونده‌ها و... در این دوران اعلام جرم می‌کنم. شما گناهکار همان جرمی هستید، که آنها در روز مصلوب نمودن بودند. توبه کرده، به سمت خدا برگردید و یا اینکه هلاک خواهید شد.

۳۵۷. و من باز می‌گویم که «آنها» یعنی معلّمین، «او را» یعنی کلام خدا را، «اینجا» یعنی در کلیساها، با کفر گفتن خویش «مصلوب می‌کنند». خدا ما را بیخشد. بگذارید دوباره بگویم. شاید روی نوار درست ضبط نشود. «آنها» یعنی معلّمین، روحانیون، «اینجا» در کلیسا، «او را» کلام خدا را، توسط کفرگویی «مصلوب می‌سازند».

صخره‌ها خرد شده و آسمان تاریک گشته

منجی من سرخم نموده و مرده است

لکن حجاب افتاده و راه آشکار گشته

به شادی‌های آسمان و روز بی‌پایان

۳۵۸. من این را روی این نوار و برای این حضّار می‌گویم. این را توسط الهام روح القدس می‌گویم. آنکه دوستدار خداوند است، به سمت کلام او بیاید! مطمئناً خدا این نسل گناهکار، منکر مسیح را بخاطر تکفیر و مصلوب نمودن کلام اثبات شده و آشکار شده‌ی او در داوری خواهد آورد. آنها به داوری می‌آیند. من بر علیه این نسل اعلام جرم می‌کنم. زمانی که ستون آتش بعنوان یک گواه آنجا بود، موسی گفت: "آنکه خواستار خداوند است، به سمت من بیاید." آنکس که خواستار خداوند است، کلام را بگیرد، آیین خویش را انکار کند و هرروز عیسی مسیح را دنبال کند، و من در

^{۸۰} اشاره به متی ۲۳ : ۲۹

آن صبح شما را ملاقات خواهم نمود.

اکنون چند لحظه برای دعا سرهایمان را خم می‌کنیم.

۳۵۹. اوه خداوند خدا! بخشنده‌ی حیات ابدی و کاتب این کلام، که خداوند عیسی را از مردگان برخیزانید و بدرستی او را در برابر آن نسل بی‌ایمان آشکار نمود. اینجا افراد بسیاری نشسته‌اند، کلیسا از جمعیت پر است، افراد زیادی در اطراف اینجا سرپا ایستاده‌اند و این نوارها ضبط می‌شود تا در سرتاسر دنیا و به جاهای مختلف برود. خادمین در دروس خویش آنها را خواهند شنید. خداوند! برای ایشان دعا می‌کنم. عطا کن تا این کلام در اعماق قلب آنها قرار بگیرد. اعماق را بشکافد تا آنها بتوانند بگویند...

۳۶۰. یک روز در کنتاکی یک خادم متدیست به ملاقات من آمد و گفت: "زمانی که به موعظه‌ی هفت دوره‌ی کلیسا گوش می‌کردم، ندایی شنیدم که می‌گفت: از این دیوارهای بابل فاصله بگیرید و آن را ترک کنید. او می‌گفت: "من همان لحظه همه چیز را ترک کردم. نمی‌دانستم به کدام سمت بروم و چه کاری را انجام بدهم، ولی آنجا را ترک کردم." برکت با شهادت این مرد جوان به همراه دو یا سه فرزندش باشد.

۳۶۱. خداوند! باشد تا بسیاری راه خود را به سمت کلام پیدا کنند، به تنها راه حیات، زیرا او کلام است. پدر! برای هر یک از آنها دعا می‌کنم. خداوند! گفتن این چیزها بخاطر متهم نمودن نیست، بلکه بدلیل محبت است. زیرا محبت تأدیب کننده است. خداوند! دعای من این است که قوم این کلام را به همان صورتی که هست، درک کنند. محبت تأدیب کننده است. تو بر صلیب برای آنها دعا نمودی: "پدر ایشان را بیامرز. زیرا نمی‌دانند که چه می‌کنند."

۳۶۲. امروز برای آن خادمینی که با پذیرفتن آیین‌ها، فرقه‌ها، دگم‌ها و جایگزین نمودن آنها با کلام حیات دوباره کلام را مصلوب می‌کنند و بعد در برابر قوم از حقیقت راستین

که خدا حقیقت بودن آن را اثبات نموده است، انتقاد می کنند، دعا می کنم. پدر! ما برای آنها دعا می کنیم که آنها را دوباره به شام عروسی بخوانی و باشد که این بار بیایند و توجیه و بهانه نیاورند. زیرا دریافته‌ام که آخرین دعوت و ندا باید اکنون اعلام شده باشد. شاید اکنون خیلی دیر شده باشد.

۳۶۳. به این جماعت کوچک چندصد نفری که امروز و در این روز گرم اینجا جمع شده‌اند و برای دو یا سه ساعت اینجا نشسته‌اند تا کلام تو را بشنوند، برکت بده. آنها اینجا را ترک نکردند. اینجا نشسته و به کلام تو گوش کردند. آنها به هر کلام تو گوش سپردند.

۳۶۴. خداوند! می دانم که اگر باعث گمراهی این قوم بشوم در روز داوری برای من چه اتفاقی می افتد. خداوند! آگاه هستم، تلاش می کنم، آنها را به کلام هدایت کنم تا با کلام زندگی کنند و به آنها می گویم که تو «دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان هستی»، که روح القدس، عیسی مسیح است، فقط به شکل روح القدس، همان مرد. تو چنین فرمودی: "بعد از اندک زمانی جهان دیگر من را نمی بیند و اما شما مرا می بینید زیرا با شما و در شما خواهم بود." ^{۸۱} می دانم که این تو هستی، ای خداوند! به تو ایمان داریم، زیرا می بینیم که تو همین کار را در بین ما انجام می دهی.

۳۶۵. ما امروز اینجا و در بین این جماعت و بر این نوارها خود را دوباره تقدیم نموده ایم. خداوند! درست در همین لحظه، عطا کن تا هر مرد وزن، پسر و یا دختری که اینجا حاضر است و یا بیرون ایستاده است و یا به این نوار گوش می کند، همه‌ی ما در این لحظه برکتی عظیم بیایم و خود را کاملاً وقف و تسلیم خدمت به خداوند نمایم.

۳۶۶. خداوند! با قوت بر این جماعت جاری شو و بیماران را شفا بده. گفته‌اند که یک کنگ اینجا نشسته است. عطا کن تا روح القدس... می دانیم، عطاکن تا در حضور او

^{۸۱} اشاره به یوحنا باب ۱۴

بنشینیم، او عمل خواهد نمود. از رادیو و تلویزیون در بین تمام کسانی که در کشور و خارج از اینجا هستند بخرام و تمام بیماران را شفا بده. تو کلام خود را فرستادی و آن ایشان را شفا داد. می‌توانی در این لحظه همان کار را انجام دهی. خداوند! دعا می‌کنم تا تو هر بیمار، هر لنگ، هر مبتلا و هر کسی که اینجاست و یا کلام تو را می‌شنود، شفا بدهی. عطا کن، ای خداوند! دعای من برای ایشان است.

۳۶۷. با محبت مسیح و احساسی که برای نیازمندان دارم، ایشان را بر مذبح قربانی، جایی که بدن خونین بره برای بخشش گناهان ما قرار گرفته است، حاضر می‌سازم خداوند! برای بخشش و رحمت برای قوم استدعا می‌کنم، ای خداوند! خداوند! مانند موسی که برای قوم ایستاد، برای ایشان می‌ایستم. چنان که گفت: "خداوند! برایشان ترحم فرما. یک شانس دوباره به آنها بده." خداوند! بگذار تا انجیل بازم پیش رود.

۳۶۸. خداوند! آنها محکوم هستند. دعا می‌کنم که فیض و رحمت تو شامل حال تمام کسانی که نامشان در دفتر حیات یافت می‌شود، بشود. می‌دانم که چنین خواهد بود. سخت نیست که با کلام الهی تو دعا کنیم. منظورم کلام وعده است. کلامی که اثبات گشته است. کلامی که ایشان را پیش از بنیان عالم برگزیده است. سخت نیست دعا کنیم که تو تمام آنانی که نامشان در دفتر حیات است را نجات بدهی، زیرا می‌دانیم که این کار را انجام خواهی داد. عیسی چنین فرمود: "تمام آنان که پدر به من عطا کرده است، نزد من خواهند آمد." ^{۸۲} و هیچ انسانی نمی‌آید، مگر اینکه عطا شده باشد.

۳۶۹. و اینک عا می‌کنم هر جا که هر کلام تو قرار می‌گیرد، چه بر روی نوار و چه برای آنانی که اینجا حاضر هستند، روح‌القدس اکنون تمام افرادی را که از پیش مقدر شده‌اند، بخواند. آنانی که پیش از بنیان عالم نامشان در دفتر حیات یافت شد. باشد تا آنها در آن صدای کوچک که در قلبشان ندا می‌کند: "این راه است، در آن گام بردار." صدای خود

^{۸۲} اشاره به یوحنا ۶ : ۳۷

را بشنوند. عطا کن، ای خداوند! پدر این را در نام عیسی می‌طلبم!

۳۷۰. و درحالی که اینک و در حضور این جمعیت سر خود را خم نموده‌ایم، اگر ایمان دارید که این حقیقت است، من دست خود را بر این دستمال‌ها و بسته‌هایی که به سمت بیماران و مبتلایان می‌رود گذاشته‌ام. اکنون می‌خواهم از شما سوالی بپرسم.

۳۷۱. به اینجا نمی‌آیم که فقط به من گوش کنید. خسته هستم. مثل قدیم جوان نیستم و می‌دانم که ایام ما محاسبه گشته است. و می‌دانم هر ذره‌ای که در توان دارم را باید برای ملکوت خدا بگذارم. باید هر وقت این شانس را می‌یابم، به موعظه بپردازم. باید این کار را انجام دهم. چه بخواهم و یا نخواهم.

۳۷۲. به اینجا می‌آیم، چون احساس می‌کنم باید بیایم. می‌خواهم که این کار را انجام دهم. شما را دوست دارم. این چیزهای تند و سخت را نمی‌گویم... چون خودم به گفتن آن تمایل دارم، نمی‌گویم. بلکه یک کششی درون من هست. همان چیزی که اثبات و آشکار شده است، همانی است که من را به این امور وا می‌دارد. این را در محبت می‌گویم. منظور من اهانت به زنان و یا مردانمان نیست. برادر! خواهر! نمی‌خواهم که این کار را انجام دهم. فقط می‌خواهم شما را به جایی بیاورم که شلاق تأدیب خداوند را ببینید. از کنار آن نگذرید.

۳۷۳. شما که تمایل دارید با قلبی کاملاً تسلیم شده به جانب خدا بیایید، در این جماعت و یا هر جای کشور که هستید و یا به این نوار گوش می‌کنید، همانطور که سرتان را برای دعا خم نموده‌اید، اگر واقعاً و قلباً قصد انجام این کار را ندارید، دست خود را بلند نکنید. اکنون اگر واقعاً قصد انجام این کار را دارید و می‌خواهید با یک زندگی وقف شده به سمت خداوند بیایید، دست خود را بلند کنید. شما... خدا برکتان بدهد. دوباره خود را وقف مسیح می‌کنید، تا عار او را برگیرید.

۳۷۴. من هم دست خود را بلند کرده‌ام. می‌خواهم عار مسیح را بر خود بگیرم. من این نشان «دین خروش» یا هر چه می‌نامید را، با افتخار برمی‌گیرم. با افتخار آن را برمی‌گیرم، چون بخاطر خداست.

۳۷۵. آیا همه‌ی شما می‌خواهید همین کار را انجام بدهید؟ دست خود را بلند کنید و بگویید: "به فیض خدا من، من، من می‌خواهم..." شاگردان بازگشت کردند، چون می‌دانستند این یک افتخار است که بخاطر نام او این عار را بر خود بگیرند. شما می‌خواهید عار یک ستاره‌ی هالیوود و یا یک ستاره‌ی تلویزیون یا یک عضو کلیسا را بر خود بگیرید؟ یا می‌خواهید عار مسیح را بگیرید؟ خداوند! عار کلام را بر من عطا کن، می‌دانم که او متحمل عار کلام خدا شد، ای خداوند! بگذار من نیز متحمل آن باشم.

و متحمل وقف این صلیب خواهم شد
که تا هنگام مرگ من را آزاد خواهد کرد
وقتی به خانه روم، تاجی بر سر خواهم گذارد

۳۷۶. یک روز برای ما تاجی مهیا خواهد بود. اکنون مهیا گشته است. وقتی این حیات زمینی به پایان رسد، آن وقت خواهیم دانست که این درست است.

۳۷۷. اکنون فضای کافی نداریم که افراد را برای دعا به مذبح بخوانیم. بگذارید هر جا که نشسته‌اید، صندلی شما مذبحتان باشد. چون تعداد بیشماری ایمان آوردند...

۳۷۸. پدر آسمانی، به نظر می‌رسد که بیشتر دستان، از پیر و جوان در این حضار بلند شده است و دعا می‌کنم هربار که این نوار پخش شد، دست‌های بیشماری به سمت تو بلند شود و زانوهای زیادی خم گردد. پدر و مادر دست یکدیگر را بگیرند و بگویند: "عزیزم! به اندازه‌ی کافی عضو کلیسا بوده‌ایم. بیا به سمت مسیح برویم." عطا کن، ای خداوند!

۳۷۹. این افراد را در اینجا مبارک بساز. خداوندا! دعا می‌کنم یک زندگی وقف شده به آنها عطا کنی. خداوندا! بسیاری از آنها افراد خوبی هستند. آنها، آنها قوم تو هستند، فقط حقیقت را نشناخته‌اند؛ و دعا می‌کنم که تو حقیقت خود را به آنها نشان دهی خداوندا! زیرا «کلام تو راستی است.»

۳۸۰. همانطور که به گمانم در یوحنا باب ۱۷ گفتی: "ایشان را به راستی خویش تقدیس نما. زیرا کلام تو راستی است."

۳۸۱. و باز دوباره خداوندا! کلام تو راستی است. همیشه راستی است، زیرا این خداست. و خداوندا! دعا می‌کنم که تو ایشان را به راستی خود تقدیس نمایی. ایشان را از همه‌ی آیین‌ها و فرقه‌ها تقدیس کن و طاهر ساز. آنها را از تمام امور دنیوی به یک حیات وقف شده رهنمون ساز. عطا کن، ای خداوندا! ایشان اکنون از آن تو هستند. تو وعده‌ی این کار را داده‌ای و بعنوان خادم تو از جانب ایشان دعای خود را تقدیم می‌نمایم. به نام عیسی مسیح!

۳۸۲. حال با سرهای خم شده درحالی که به دعای خود ادامه می‌دهیم، با هم این سرود روحانی را بخوانیم.

عیسی آن را پرداخت

همه چیز بر اوست... (فکرش را بکنید) گناه...

۳۸۳. دیروز برای اندازه‌گیری کت و شلواری که یکی از برادران به من اهدا کرده است به جایی رفته بودم. او می‌گفت: "کت قدیمی شما بسیار کهنه به نظر می‌رسید. من یک جدید آن را برای شما خریدم."

۳۸۴. من برای اندازه‌گیری و تحویل آن رفته بودم. او می‌گفت: "شانه‌ی راست شما

افتادگی دارد، گویی بار سنگینی را بردوش کشیده‌اید."

۳۸۵. با خود فکر می‌کردم که: "بله. باری از گناهان، ولی عیسی بهای آن را پرداخت نمود." به این سرود گوش کنیم.

عیسی بها را...

تمام هستی‌ام تقدیم اوست

۳۸۶. خداوندا! با ما بخشنده باش. در این زمان تفکر و تعمق، عطا کن تا کلام تو در اعماق قلب ما جای گیرد. بگذار مردم فکر کنند که شامشان دیر شده است... ولی خداوندا! کلام تو بیش از غذا ارزش دارد. این حیات است "انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد." ^{۸۳} و کلام تو نان حیات است. این را تو گفتی. این چیزی است که جان‌های گرسنه‌ی ما مشتاق آن است.

۳۸۷. خداوندا! ما را برگیر و شکل بده. خداوندا! من را با ایشان بگیر. می‌خواهم با آنها بیایم. ای خداوندا! اکنون با ایمان به جلجتا می‌آیم. با این جماعت می‌آیم. اینک من را شکل بده. خداوندا! گناه کرده‌ام...

۳۸۸. اخیراً و در اینجا قصد داشتم تا دست از موعظه کردن بردارم. مردم به من گوش نمی‌کردند. آنها به اعمال خویش ادامه می‌دادند و من دلسرد شده بودم. اوه خداوندا! یکشنبه‌ی دوهفته قبل، هنگامی که آن نشانه را به من دادی، وقتی کلام را می‌خواندم، آنچه را که تو به موسی گفتی، دیدم. چنان‌که در رویا بود. دریافتم که بیماران بسیاری را رها نموده‌ام. خدمت فقط نبوتی نیست. بله تعلیم کلام و دعا برای بیماران است. تو اجازه دادی که یک مرد در اینجا بمیرد و بعد او را دوباره به حیات برگرداندی، برای تأیید اینکه این درست بوده است. تو همیشه کلام خویش را اثبات و تأیید می‌نمایی.

۳۸۹. خداوندا! اینک که در برابر تخت تو هستم این را تأیید کن. خداوندا! هر یک از این افراد را برگیر. دنیا را از ما و ایشان جدا کن. خداوندا! مادامی که در حضور تو هستم، من را برگیر. دنیا را از ما برگیر و قلب ما را تفتیش کن. دنیا و محبت آن را از ما جدا کن. بگذار تا مسیحیانی وقف شده باشیم. اوه خداوندا! با محبت باشیم و میوهی روح را ثمر بیاوریم. ای خداوندا! آیا این کار را نخواهی کرد؟ ما در برابر تخت تو هستیم، گناه بر هریک از ما داغ گذاشته است، ولی خون تو قادر به پاک ساختن آن است تا آن را مانند برف سفید سازد. مادامی که در انتظار تو هستیم این را عطا کن. ما را برگیر. از آن تو هستیم و زندگی خود را وقف تو نموده‌ایم. خداوندا! به نام عیسی مسیح، این را به تک تک ما عطا کن.

۳۹۰. قلب من را تفتیش کن، ای خداوندا! من به تمام خطایایم واقفم و اشتباهاتم را می‌دانم. خداوندا! از این لحظه تمام تلاش خود را می‌کنم تا طوری زندگی کنم که کمک تو باشم. ای خداوندا! می‌خواهم ببایم. می‌خواهم امروز دوباره زندگی خود را وقف تو کنم.

۳۹۱. خداوندا! این اعلام جرم بر علیه دوستان روحانی خویش و گفتن این سخنان سخت به آنها، ولی خداوندا! این کار را با الهام تو انجام دادم. احساس می‌کنم تو به من گفتی که این کار را انجام بدهم. حال این از عهده‌ی من خارج شد. ای خداوندا! خوشحالم که از عهده‌ی من خارج شد. پدر! بگذار هرکار که می‌خواهند با این انجام دهند. دعا می‌کنم که این را بپذیرند. خداوندا! دعا می‌کنم که همه‌ی آنها را نجات دهی.

۳۹۲. باشد تا یک احیا و بیداری از عدالت ایجاد شود و یک قوت عظیم قبل از رفتن کلیسا به میان آن بیاید. سخت نیست که برای آن دعا کنیم، چون تو وعده داده‌ای. خداوندا! اکنون چشم انتظار آن سوّمین خروج هستیم که می‌دانیم تو در میان ما، اعمال عظیم انجام خواهی داد.

۳۹۳. از آن تو هستم، ای خداوند! خداوند! به همان صورتی که می توانم و می دانم که باید خود را وقف کنم، خود را بر این مذبح می گذارم. دنیا را از من بردار، ای خداوند! چیزهایی که فانی است از من بردار، چیزهای غیر فانی را به من بده. باشد تا قادر باشم با کلام زندگی کنم، تا جایی که من در کلام و کلام در من باشد. باشد تا هرگز از آن برنگردم. باشد تا شمشیر پادشاه را به سختی در دست گیرم و به آن چنگ اندازم. عطا کن، ای خداوند!

۳۹۴. همه ی ما را برکت بده. خداوند! ما خادمین تو هستیم. چنانکه امروز دوباره خود را در قلبمان به تو و خدمت به تو وقف نمودیم. برای خدمت از آن تو هستیم. به نام عیسی مسیح!

برادر نوئل! خدا به شما برکت بدهد.

به این دلیل است که، من این نسل را به گناهکار بودن در مصلوب نمودن و تکفیر پسر آشکار شده‌ی خدا، همان‌گونه که توسط تمام انبیاء وعده داده شده بود، و خود مسیح که باید در ایام آخر باشد، به همان صورتی که در ایام نوح بود، در ایام سدوم بود، متهم می‌نمایم. کفر! به جهتی که آنها دوباره پسر خدا را برای قوم مصلوب می‌نمایند. او کلام اثبات شده است. یک کلمه بر علیه آن، هرگز بخشیده نخواهد شد.

William Marrion Branham

The Indictment

Jefersonville, Indiana

63-0707M